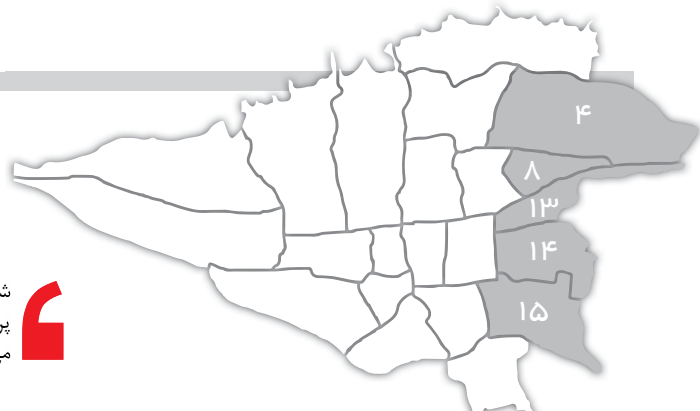


بررسی ویژگی مناطق ۴، ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ به بهانه روز ملی جمعیت رشد نسبی جمعیت در مناطق شرق پایتخت

شاید برای شما هم سؤال برانگیز یا جالب باشد که بدانید منطقه‌ای که در آن ساکن هستید، چه ویژگی‌های جمعیتی دارد؟ توزیع و پراکندگی جمعیت در آن به چه شکل است و چند نفر در اطرافتان زندگی می‌کنند و چه تعداد آنها را زنان و چه تعداد را مردان تشکیل می‌دهد و حتی کدام محله‌ها بیشترین و کمترین جمعیت را در دل خود جای داده است؟ یا خیلی سؤال‌های دیگر...



صفحه ۸

هم‌شهری



سه شنبه
۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹
سال شانزدهم / شماره ۷۵۲
صفحه ۱۶

در آستانه روز اهدای عضو به دیدار خانواده نوجوانی رفتم که ۴ عضو بدنش به بیماران نیازمند زندگی بخشید

محمد صالح به آرزویش رسید

عکس: منا عادل

ویروس کووید ۱۹
دومین پایانه تاکسیرانی پایتخت را سوت و کور کرده است

چوب کرونا لای چرخ تاکسیرانان



شیوع کرونا دخل و خرج زندگی بسیاری از مردم به‌ویژه آنها که درآمدشان در گرو فعالیت روزانه‌شان بود، را بر هم زد. در ماه‌های اسفند و فروردین، قرنطینه، دورکاری، کارمندان و خلوت شدن شهر، معیشت رانندگان تاکسی که گذران زندگی‌شان با حضور مردم در خیابان‌های شهر...

صفحه ۱۲

هشدار! به پاتوق معتادان نزدیک می‌شوید

صفحه ۱۴

روایت «فربیا قدرتی» مجری و تهیه‌کننده تلویزیون از تدریس در مدارس محله

نظام‌آبادی هامهربان و همدل هستند

نخستین سال‌های جوانی به خدمت ارتش درآمد و بعد از چندین سال در قامت خانم معلم پای تخته‌سیاه مدرسه‌ای در تهرانپارس ایستاده است. سپس به دلیل علاقه‌اش به اجرا، به جام‌جم رفته و تا امروز در کسوت گزارشگر، مجری، کارشناس و تهیه‌کننده در شبکه‌های خبر، قرآن و همچنین شبکه‌های یک و دو و... ظاهر شده است. خودش معتقد است از هر عرصه دنیایی تجربه اندوخته و با سال‌ها مطالعه گره زده تا فرمول خوشبختی را...



صفحه ۷

سال گذشته درست در همین روزها که کارت اهدای عضو خود را به مادرش نشان داد، هیچ‌کس باورش نمی‌شد که ۲ روز بعد این کارت در بیمارستان به کار بیاید و اعضای بدن «محمد صالح حق‌نیاز» بعد از ایست قلبی و فوت، به ۴ بیمار زندگی دوباره ببخشد. با گذشت یک سال از پرواز آسمانی این طلبه نوجوان و به مناسبت بزرگداشت روز جهانی «اهدای عضو» به شهرک «شهید فلاحی» لویزان رفتم تا ساعتی مهمان خانواده‌اش باشیم. «عظیم ترسا» مادر خانواده، دل‌تنگ در آغوش کشیدن فرزند، با بغضی در گلو و نم اشکی در چشم، خاطرات زندگی کوتاه اما پرخیز و برکت نوجوان ۱۶ ساله‌اش را برایمان مرور می‌کند...

صفحه ۴



یادداشت

علی‌الله سلیمی
دبیر تحریریه

مشارکت شهروندان در مدیریت بحران

حوادث قهری و غیرمترقبه که گاه می‌تواند باعث بلایای بی‌شماری در سکونتگاه‌های انسان در محیط‌های مختلف شود، متأسفانه همیشه در کمین است و اگر اقدامات پیشگیرانه و به موقع در این زمینه انجام نشود، چه بسا ممکن است جان و مال شهروندان بسا تهدید جدی مواجه شود و این موضوع همواره نگران‌کننده است. به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کلانشهرها که اغلب جمعیت چند میلیونی را در خود جای داده و در برخی مناطق وضعیت بنیادی و همچنین مسیرهای ورودی نیروهای امدادی از شرایط مطلوب و استاندارد برخوردار نیست.

در این میان، شکی نیست که به هر میزان وسعت و جمعیت شهرهای بزرگ گسترش یابد به همان میزان خسارت بلایای طبیعی یا اتفاق‌های ناگوار افزایش می‌یابد و اکنون این موضوع در کلانشهر تهران هم به یکی از دغدغه‌های شهروندان و مدیریت شهری تبدیل شده است. از این رهگذر تشکیل ستاد مدیریت بحران در شهرداری تهران که فعالیت‌های گوناگون و گسترده‌ای بخشی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های مدیریت شهری در مواجهه احتمالی با بلایای طبیعی و حوادث پیش‌بینی نشده که هر شهروندان را به مخاطره بیندازد، ساخت سوله‌های بحران که اقدام پیشگیرانه‌ای برای مواقع بحرانی است و در حالت عادی از آنها به‌عنوان اماکن ورزشی استفاده می‌شود، بخشی از اقدامات انجام شده در این زمینه است. در این میان محدوده مناطق شرقی پایتخت هم به سهم خود از این امکانات برخوردارند و پیاگه‌های متعددی در مناطق پنج‌گانه، ۸، ۴، ۱۳، ۱۴، ۱۵، نقاط ایمنی برای ساکنان این مناطق محسوب می‌شود. البته با توجه به موقعیت کنونی برخی مناطق شرق تهران که در مواردی درصد بالایی از بخش‌های مسکونی آنها را بافت‌های فرسوده تشکیل می‌دهد، لزوم ساخت سوله‌های بحران و اقدامات پیشگیرانه دیگر بیش از پیش احساس می‌شود. با این حال، مسئولان ستاد بحران در شهرداری‌های مناطق فعالیت‌های پیشگیرانه متعددی را هم‌زمان شروع کرده‌اند که مقاومت‌سنجی ساختمان‌ها در برابر زلزله و سایر بلایای طبیعی هم یکی از این اقدامات است. برای پیشرفت در این زمینه همکاری تنگاتنگ شهروندان با مسئولان ستاد مدیریت بحران الزامی است، چراکه کارشناسان این ستاد در وهله اول فقط موقعیت ساختمان‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهند و بخش اعظمی از اقدامات لازم را به مالکان آن ساختمان‌ها یادآوری می‌کنند.

آنتی‌ریک

۲۲ پروژه آینده‌ای منطقه ۸ که در مرحله اجرا قرار دارد، نیمه اول امسال به بهره‌برداری می‌رسد. «همناز استقامتی» شهردارمنطقه ۸ در حاشیه بازدید «الهام فخاری» عضو و نایب رئیس کمیسیون اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران که باهدف بیشتر آگاهی از روند پروژه‌های منطقه ۸ برگزارشد، دراین‌باره گفت: «هر یک از این ۲۲ پروژه در مرحله اجرا قرار دارد و با توجه به امکانات و درخواست‌های شهروندان تعریف شده‌است.» او ادامه داد: «در کنار اینها، بوستان آب، هایپر معلم، پارکینگ زیر سطحی مهدی مدنی، باغ ایرانی، بوستان مسیل باختر، مخزن ۱۱۰۰ مترمکعبی، مرکز تولید ماسک و میدان حضرت قمرینی‌هاشم بازدید کرده و از نزدیک در جریان پیشرفت اجتماعی، خدمات شهری، عمرانی و ترافیکی برای رفاه حال شهروندان



رعایت پروتکل‌های بهداشتی از طرح‌های مسیرودرچرخه‌سورای، هایپر گل بوستان آب، هایپر معلم، پارکینگ زیر سطحی شهید مدنی، باغ ایرانی، بوستان مسیل باختر، مخزن ۱۱۰۰ مترمکعبی، مرکز تولید ماسک و میدان حضرت قمرینی‌هاشم بازدید کرده و از نزدیک در جریان پیشرفت کارها قرار گرفت.

نصب آبگرمکن خورشیدی در بوستان پژوهش

آبگرمکن خورشیدی برای حفظ انرژی‌های فسیلی در بوستان پژوهش نصب شد. «الهام نوری‌نژاد»

رئیس اداره محیط‌زیست و توسعه پایدار شهرداری منطقه ۱۴دراین‌باره گفت: «حفظ و نگهداشت انرژی‌های فسیلی برای استفاده نسل‌های آینده از دغدغه‌های کارشناسان محیط‌زیست است. از این‌رو همه تلاش خود را در این زمینه به کار می‌گیریم.» او افزود: «از آنجاکه سوخت‌های فسیلی رو به اتمام است، یکی از راه‌های حفظ آنها احیا کردن انرژی خورشیدی است. کاری که

اداره محیط‌زیست منطقه ۱۴ در این زمینه با انجام اقدامات مختلفی از جمله نصب تعداد زیادی پنل خورشیدی در بوستان‌ها انجام داده و از انرژی دریافتی آنها برای روشنایی معابر استفاده می‌شود.» او ادامه داد: «نصب آبگرمکن خورشیدی در بوستان‌ها به‌صورت پایلوت در بوستان پژوهش، بوستانی ویژه شهروندان کم‌آب و جانبازان، انجام شد.»



بازسازی جوی‌های معابر منطقه ۱

جوی‌های معابر محدوده شهرداری منطقه ۱۵ مرمت و کانووسازی می‌شود. «علیرضا جلاچیان» معاون فنی و عمران شهردار منطقه ۱۵دراین‌باره گفت: «ماه گذشته اجرای ۲۲۰متر طول جدول‌بندی نهر و جوی‌های منطقه ۱۵به پایان رسید. اقداماتی از جمله تغییر مقطع نهر، بازسازی و تغییر شکل به کانویو یا بالعکس برای جمع‌آوری آب‌های سطح و آبگرفتگی معابر و رفع مشکلات زیست‌محیطی انجام می‌شود.» او ادامه داد: «از ابتدای امسال فرایند جدول‌بندی معابر منطقه برحسب سه نوع عملیات تک جدول، کانویو و نهر به اجرا درآمده است.» تاکنون این طرح در محدوده شهرداری ناحیه یک در خیابان انورزاده، ناحیه ۳ در خیابان صالحی و در ناحیه ۶ نیز انجام شده است.

توزیع کاور رایگان در بین تاکسیرانان

کاور فاصله‌گذاری میان راننده و مسافر با طراحی جدید به رانندگان جدید تاکسی‌های منطقه ۱۳هدا شد. «مرتضی رحمان‌زاده» شهردار منطقه ۱۳دراین‌باره گفت: «با هدف پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و با توجه به در معرض خطر قرار داشتن رانندگان تاکسی، کاورهای طلفی (سلفنون) با طراحی جدید میان ۴۰۰ راننده تاکسی خطوط منطقه رایگان توزیع و اهدا شد.» او افزود: «شفافیت لازم، قابل مشاهده بودن آینه‌های کنار خودرو توسط راننده، پیش‌بینی ایجاد فضایی برای جداول‌سازی فاصله بین مسافران حتی راننده و مسافر ی که در صندلی شاگرد می‌نشینند و ویژگی‌های کاورهای اهدایی در فاصله‌گذاری فیزیکی در تاکسی‌های منطقه است.



نمایشگاه مجازی «چهل آینه» را ببینید

نمایشگاه مجازی «چهل آینه» با همکاری موزه ملک و فرهنگسرای گلستان دایر است. «سعید رنجبریان» مدیر فرهنگسرای گلستان دراین‌باره گفت: «نمایشگاه چهل آینه با آثار منتخب قرآن‌نگاری با موضوع خوشنویسی و تذهیب سوره‌های قرآن کریم از گنجینه موزه ملک مربوط به سده‌های اولیه قرون هجری تا قرون معاصر است.» او افزود: «آثار



این نمایشگاه در قالب ۲۰ اثر نفیس خوشنویسی با خط کوفی، نسخ، نستعلیق و آثار تذهیب قرآنی است و علاقه‌مندان می‌توانند تا پایان ماه‌رمضان به صفحه اینستاگرام فرهنگسرای گلستان سر بزنند و از این نمایشگاه مجازی بازدید کنند.» بازدید از این نمایشگاه از طریق نشانی golestan.farhangsara.ir امکان‌پذیر است.

میز خبر

مختصانه ۱۴

استادیوم تختی ثبت ملی شد

استادیوم تختی که در محدوده منطقه ۱۴قرار دارد، به دلیل قدمت و معماری چشم‌نوازش در فهرست آثار میراث فرهنگی قرار گرفت. «سعید تیموری» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه ۱۴ دراین‌باره گفت: «استادیوم تختی از جمله مکان‌های دیدنی تهران است که معماری منحصر‌فردی دارد. اینجا پنجمین ورزشگاه بزرگ ایران در شرق تهران قرار است.» او افزود: «این مجموعه ورزشی به غیر از اجرای برنامه‌های ورزشی و مسابقات کشوری و بین‌المللی، می‌تواند محلی برای گردشگری باشد.» او ادامه داد: «مجموعه ورزشی تختی سالن‌های متعدد و پیست دوچرخه‌سواری و امکانات خوبی برای ورزش و تفریح شهروندان شرق تهران دارد.» تیموری گفت: «ساخت این مجموعه به ۵۵ سال پیش برمی‌گردد. استادیوم تختی تنها ورزشگاه سرپوشیده ایران است که برای برگزاری بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ ساخته شد.» این مجموعه را «جهانگیر درویش» از آرشیویست‌های بنام دوران و به شکل یک تاج ساخته است.



مختصانه ۴

پلیس افتخاری راهور شوید

راهنمایی و رانندگی منطقه ۴، ازبین آقایان علاقه‌مند به فعالیت در پلیس افتخاری عضو می‌پذیرد. سرهنگ ۲ «لیلا باقری» مسئول آموزش راهور منطقه ۴ دراین‌باره گفت: «علاقه‌مندان واجد شرایط می‌توانند با همراه داشتن مدارک شناسایی، ۲ سری کپی کامل کارت ملی، شناسنامه و آخرین مدرک تحصیلی(حداقل دیپلم)، روزهای شنبه تا چهارشنبه در وقت اداری به راهنمایی و رانندگی منطقه ۴ مراجعه کنند.» او افزود: «داوطلبان پذیرش شده ابتدا یک دوره آموزشی را سپری کرده و سپس در صورت واجد شرایط بودن، کارت پلیس افتخاری دریافت می‌کنند.» به گفته مسئول آموزش راهور منطقه ۴ این طرح با هدف کمک به پلیس راهنمایی و رانندگی در افزایش نظم و امنیت اجتماعی و هدایت وسایل نقلیه و نظام‌بخشی به عبور عابران پیاده و جلب مشارکت مردمی اجرا می‌شود. پلیس راهور منطقه ۴در ۲۱۸۶۲۳۱ و ۲۱۸۶۲۳۲۷ شماره‌های تماس این مرکز است.



مختصانه ۱۳

نصب مخازن زباله ۳ قلو

مخازن سه قلوئی تفکیک پسماند در معابر و مراکز پرتردد محدوده شهرداری منطقه ۸جانمایی شد. «ناصر رضایور» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۸ دراین‌باره گفت: «با توجه به اهمیت طرح تفکیک پسماند از مبدأ در راستای اجرای طرح کاپ و سهولت تفکیک پسماند برای شهروندان، اداره مدیریت پسماند، مخازن سه قلو را تأمین و نصب کرده‌است.» او درباره ویژگی این مخازن افزود: «مخازن ۳ قلو برای تفکیک فلزات، پت، پلاستیک و کاغذ در نظر گرفته شده و در مراکز پرتردد و مجتمع‌های تجاری فعال در منطقه جانمایی شده است.» او ادامه داد: «تاکنون این مخازن در ۱۰ قسمت از منطقه ۸ از جمله میدان نبوت، مجتمع سون سنتر، سربسز و چهارراه تلفنخانه و... نصب شده است.» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۸ گفت: «جانمایی مخازن ۳ قلوئی پسماند از اسفند ماه آغاز شده و تا پایان ماه ادامه دارد.»



چه خبر از شهر؟

اجرای طرح فوریت نگهداشت شهر

مشکلات معابر و محله‌های محدوده شهرداری منطقه ۱۳با اجرای طرح فوریت نگهداشت شهر برطرف می‌شود. «مرتضی رحمان‌زاده» شهردار منطقه ۱۳دراین‌باره گفت: «این طرح با هدف ارتقای خدمت‌رسانی شهری و افزایش رضایتمندی شهروندان و کاهش پیام‌های مردمی اجرا می‌شود و طبق روال گذشته، خدمات فوریتی در زمینه‌های مختلف ارائه و با قوت بیشتر ادامه می‌یابد.» او افزود: «بر این اساس لایروبی کامل نهرهای روبسته و روباز، پاکسازی باغچه‌ها و فضای سبزی، شست‌وشوی المان‌ها و فضاهای شهری، کیوسک‌های مطبوعاتی، نرده‌های ترافیکی، نظافت و پاکسازی معابر، رفع سدمعبر، تعمیر مخازن معیوب و... تنها گوشه‌ای از اقدامات مورد توجه در طرح فوریت نگهداشت شهر است.»

او ادامه داد: «علاوه بر اینها لکه‌گیری آسفالت، رفع نقص تابلوهای ترافیکی، حذف زوائد فیزیکی، پاکسازی برجسب‌های تبلیغاتی، کاشت درختچه و نهال، رنگ‌آمیزی دیوارها با لحاظ رنگ در شهر از دیگر موارد مورد توجه در اجرای طرح نگهداشت شهر است.» شهردار منطقه ۱۳ تأکید کرد: «در این راستا، بازدیدهای مستمر از نواحی چهارگانه و محله‌ها و معابر انجام شده و رفع به هنگام مشکلات، کاهش چشمگیر پیام‌های ۱۳۷ و ۱۸۸۸ و همچنین رضایتمندی حداکثری شهروندان از فعالیت‌های اجرایی منطقه را به دنبال داشته است.» شهردار منطقه ۱۳ گفت: «از این‌رو در سلسله برنامه‌های اجرایی طرح فوریتی نگهداشت شهر که تاکنون در نواحی مختلف اجرا شده با آمادهباش کارگران و استقرار ادوات و تجهیزات در محورهای منتخب و تعیین شده همراه بوده است.» این طرح تاکنون در محدوده ناحیه ۲ خیابان پیروزی و در محدوده ناحیه ۲ نیز در حوالی خیابان‌های سی‌متری نیروی هوایی و امامت اجرا شده است.



شورایاری

مختصانه ۱۵

خیابان امام خمینی (ره) محله رضویه تاریک است



برخی از معابر محله رضویه با مشکل تاریکی روبه‌رو است و با توجه به قرار داشتن این محله در مجاور مددسرای خاوران، این

مشکل به حضور معتادان در اینجا دامن می‌زند. «عبدالرضا امینی» دبیر شورایاری محله رضویه دراین‌باره گفت: «خوشبختانه طرح‌های کوچک مقیاس که در منطقه ۱۵ در حال انجام است، گام مثبتی برای افزایش رضایتمندی شهروندان محسوب می‌شود. اما برخی مشکلات هم مربوط به حوزه اختیارات شهرداری نیست و نیاز به دخالت سازمان‌های مختلف از جمله اداره برق دارد.» او ادامه داد: «در حال حاضر خیابان امام خمینی (ره) حداقلصا خیابان اسکندرولو تا خیابان شهید مطهری با مشکل کمبود نور مواجه است. شاید در نگاه اول تاریکی مشکل بسیار ساده‌ای به نظر برسد اما تبعات آن بسیار جدی و جبران‌ناپذیر است.» او درباره مشکلات تردد بانوان و افراد سالمند در این معبر نیز گفت: «بانوان برای تردد از این معبر با مشکل مواجه هستند و با توجه به اینکه تاریکی باعث ایجاد فضای دنج و سساکت برای معتادان و سارقان می‌شود، بانوان با رعب و وحشت از این معبر عبور می‌کنند.» امینی تأکید کرد: «از این‌رو نیاز است مسئولان اداره برق با شناسایی نقاط خاموش محله به‌ویژه خیابان امام خمینی (ره) امنیت و آرامش را برای اهالی محله رضویه فراهم کنند.»

۱۰

معبر سواره‌رو و منطقه ۴ به طول بیش از ۱۰ هزارمتر درزگیری و بهسازی شد.به گفته «مهدی پورشاسب» معاون فنی و عمرانی شهردار منطقه، این طرح در خیابان‌های والانبیان، شمشاد، آر آدی، مولوی، شادالویی، شبستری و... نیز انجام می‌شود.

۴۵۰

بسته بهداشتی از سوی اداره سلامت منطقه ۱۴به معلولان جسمی و ذهنی اهدا می‌شود. به گفته «لیلیا اسمی» مدیر اداره سلامت هدف از انجام این طرح حفظ سلامت شهروندان کم‌توان در برابر ابتلا به بیماری کرونا است.

کلینیک دندانپزشکی (شبانه روزی) کیوان

- سفید کردن دندان‌ها
- دندانپزشکی زیبایی
- دندانپزشکی اطفال
- روکش‌های بدون فلز - زیرکونی
- جراحی فک و صورت توسط متخصص
- جراحی لثه توسط متخصص
- ارتودنسی توسط متخصص
- ایمپلنت توسط متخصص

۷۷۴۶۸۲۰۰ - ۷۷۴۶۸۷۶۷

خیابان پیروزی، مقابل خ پنجم نیروی هوایی، پ ۱۰۲

در آستانه روز اهدای عضو به دیدار خانواده نوجوانی رفتیم که ۴ عضو بدنش به بیماران نیازمند زندگی بخشید

محمد صالح به آرزویش رسید

پریسا نوری

سال گذشته درست در همین روزها که کارت اهدای عضو خود را به مادرش نشان داد، هیچ‌کس باورش نمی‌شد که ۲ روز بعد این کارت در بیمارستان به کار بیاید و اعضای بدن «محمد صالح حق‌نیاز» بعد از ایست قلبی و فوت، به ۴ بیمار زندگی دوباره ببخشد. با گذشت یک سال از پرواز آسمانی این طلبه نوجوان و به مناسبت بزرگداشت روز جهانی «اهدای عضو» به شهرک «شهیدفلاحی» لویزان رفتیم تا ساعتی مهمان خانواده‌اش باشیم. «عظیم ترسا» مادر خانواده، دلنتگ در آغوش کشیدن فرزند، با بغضی در گلو و نم اشکی در چشم، خاطرات زندگی کوتاه اما پرخبر و برکت نوجوان ۱۶ ساله‌اش را بر ایمان مرور می‌کند.



وارد اتاق پذیرایی که می‌شویم، نگاهمان به نگاه «محمد صالح» که در قاب عکس بزرگی روی میز تکیه داده، گره می‌خورد. پسر نوجوان در قاب عکس مصمم و استوار ایستاده؛ درست مثل روزهایی که با شور و شوق همراه دوستانش راهی اردوهای راهیان نور می‌شد، مثل آن آباری که به عشق زیارت امام حسین(ع)، در پیاده‌روی اربعین شرکت کرد. مثل همان روز که با آرزوی پوشیدن لباس روحانیت در حوزه دارالسلام قدم گذاشت یا روزی که تصمیم گرفت با دریافت کارت اهدای عضو بعد از مرگش، زندگی ببخشد... مادر اما زنجور و دردمند، قاب کوچکی که عکس فارغ‌التحصیلی پسرش از دبیرستان را در بر دارد، نگاه و ناباورانه با بغضی در گلو خاطرات کودکی فرزند دلیندش را مرور می‌کند: «۸ سال بعد از ازدواجمان خدا «محمد صالح» را به ما داد و ۲ سال بعد هم پسر کوچکم «محمدطاه» به دنیا آمد. محمد صالح از بچگی در هیئت و مسجد بزرگ شد و کارها و حرف‌هایش با همه بچه‌های همسن و سالش فرق داشت. بعد از کلاس نهم برای ادامه تحصیل به حوزه رفت. عاشق امام‌حسن مجتبی(ع) بود و همیشه به هیئت امام‌حسن مجتبی(ع) که دور میدان شهرک است، می‌رفت. دلش مدافع حرم بود. از



پریسا نوری
مادر خانواده

با گذشت یک سال از رفتن فرزند، هنوز آرام نشده و یادآوری خاطرات آن روزها که مرگ یکباره در خانه او را با خود برد، برایش سخت و جانکاه است. هر کلمه حرف‌هایش با بغض و غمی عمیق پیوند خورده، بغضی که هر بار می‌شکند و پهنای صورتش را خیس می‌کند. با این حال خاطرات آخرین روزهای زندگی پسرش را مرور می‌کند: «ماه رمضان بود و حوزه در ملاغرفه داشت. محمد صالح هم در غرفه می‌ایستاد و چون خیلی هوای برادرش را داشت، گاهی او را هم با خود می‌برد. پدرشان خیلی از این موضوع خوشحال بود و می‌گفت خدا را شکر «محمدطاه» تنها نیست و حامی دارد» آن شب هم برادرها با هم به استخر و مملات رفتند و اتفاقاً خیلی به آنها خوش گذشت. بعد از آن شب که آمدند. کنار من نشست تا دیر وقت با هم صحبت کردیم. انگار دلش نمی‌آمد بخوابد. صبح که بیدار شد رفت دست و صورتش را شست و بعد دیدم که دیر کرد. دنبالش رفتم دیدم توی راهرو جلو دستشویی روی زمین افتاده و... توی بیمارستان دکترها گفتند ایست قلبی کرده است.» قلب فرزند که می‌ایستد زمان برای مادر، همانجا در راهروی همان خانه می‌ایستد. مادر دیگر تاب آن راهروی خالی را نندارد و چند ماه بعد به یک بلوک دیگر اسباب‌کشی می‌کند، اما خاطرات فرزند همه جا همراه مادر است: «۲ روز قبل از فوتش کارت اهدای عضو گرفته بود. وقتی کارت را به من نشان داد، ناراحت شدم و گفتم «با اجازه کی کارت گرفتی؟» به رویم لیخن زد و گفت «مگر خودت همیشه نمی‌گفتی بعد از مرگ اعضای بدنت را هدیه کنیم، حالا چرا به من ایراد می‌گیری؟»

بچگی می‌گفت دعا کنید در ماه رمضان شهید شوم. وقتی از او می‌پرسیدم چرا؟ می‌گفت «در ماه رمضان درهای جهنم بسته است.» آخرش هم به آرزویش رسید و در ماه رمضان پارسال، درست شب تولد آقا امام‌حسن مجتبی(ع) بر کشید و دل ما را آتش زد.»

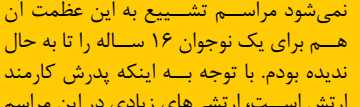
چرا به من ایراد می‌گیری
دل بی‌تاب مادر با گذشت یک سال از رفتن فرزند، هنوز آرام نشده و یادآوری خاطرات آن روزها که مرگ یکباره در خانه او را با خود برد، برایش سخت و جانکاه است. هر کلمه حرف‌هایش با بغض و غمی عمیق پیوند خورده، بغضی که هر بار می‌شکند و پهنای صورتش را خیس می‌کند. با این حال خاطرات آخرین روزهای زندگی پسرش را مرور می‌کند: «ماه رمضان بود و حوزه در ملاغرفه داشت. محمد صالح هم در غرفه می‌ایستاد و چون خیلی هوای برادرش را داشت، گاهی او را هم با خود می‌برد. پدرشان خیلی از این موضوع خوشحال بود و می‌گفت خدا را شکر «محمدطاه» تنها نیست و حامی دارد» آن شب هم برادرها با هم به استخر و مملات رفتند و اتفاقاً خیلی به آنها خوش گذشت. بعد از آن شب که آمدند. کنار من نشست تا دیر وقت با هم صحبت کردیم. انگار دلش نمی‌آمد بخوابد. صبح که بیدار شد رفت دست و صورتش را شست و بعد دیدم که دیر کرد. دنبالش رفتم دیدم توی راهرو جلو دستشویی روی زمین افتاده و... توی بیمارستان دکترها گفتند ایست قلبی کرده است.» قلب فرزند که می‌ایستد زمان برای مادر، همانجا در راهروی همان خانه می‌ایستد. مادر دیگر تاب آن راهروی خالی را نندارد و چند ماه بعد به یک بلوک دیگر اسباب‌کشی می‌کند، اما خاطرات فرزند همه جا همراه مادر است: «۲ روز قبل از فوتش کارت اهدای عضو گرفته بود. وقتی کارت را به من نشان داد، ناراحت شدم و گفتم «با اجازه کی کارت گرفتی؟» به رویم لیخن زد و گفت «مگر خودت همیشه نمی‌گفتی بعد از مرگ اعضای بدنت را هدیه کنیم، حالا چرا به من ایراد می‌گیری؟»

ایست قلبی و اهدای ۴ عضو به بیماران
ماه رمضان است و مادر با زبان روزه نمی‌تواند بغض گلویش را با جرعه‌ای آب فرو نماند، نفسی تازه می‌کند و از آن روز تلخ می‌گوید: «من و پدرش شش‌وکه شده بودیم و نمی‌خواستیم آنچه را که اتفاق افتاده باور کنیم. یکی از دوستان که از ماجرای کارت اهدای عضو خبر داشت، گفت «در ایست قلبی هم می‌شود بعضی از اعضای بدن را تا ۲۴ ساعت اهدا کرد.» در بیمارستان هم پرستارها دور و بر ما بودند و می‌خواستند همین موضوع را به ما بگویند و لسی تردید داشتند و این ما برای اهدای اعضا رضایت داریم چون این خواست خودش بوده و کارت اهدا دارد.» آنها «ما برای اهدای اعضا رضایت داریم چون این خواست خودش بوده و کارت اهدا دارد.» آنها پاور مغز استخوانش را برداشتند و به ۴ بیمار پیوند زدند. هیچ کدام از بیماران نمی‌شناسیم، فقط متوجه شدم که مغز استخوان را برای یک سرپاز که سرطان داشت، می‌خواستند. امیدوارم که سلامتی‌اش را به دست آورده باشد.» مادر نم اشکش را پاک می‌کند و یادگاری‌هایی که از محمد صالح به جا مانده را بر ایمان می‌آورد، آلبوم عکسی که در هر برگش عکس‌های محمد صالح و دوستانش در کلاس‌های حوزه، مراسم اعتکاف، اردوی راهیان نور و... نقش بسته، تمرین‌های خوشنویسی که در صفحه‌های آخر خواناتر و تشکیل‌تر شده و در آخر برگه وصیتنامه فرزند که یک سال قبل از فوت با خط خوش نوشته: «... من راضی نیستم مادرم در مراسم زیاد گریه کند و جلو چشم زنان و مردان باشد و همچنین پدرم چون من به خانه ابدی رفتم و خوشحال باشم...»

فالافی که طعمش از یاد نمی‌رود
«محمدطاه»، نه تنها برادر کوچک که همدم روزها و شب‌های برادر بوده و از کوچکی خاطرات تلخ و شیرین زیادی با او تجربه کرده است. وقتی به اتاق می‌آید، مادر با شسوق سراپای پسرش را نگاه می‌کند و می‌گوید: «ببینید چقدر شبیه برادرش شده.» دوباره به قاب عکس نگاه می‌کنم، پسر نوجوانی که خانواده‌اش مؤثر باشد.

با متانت و حجب و حیا رویه‌رویمان نشست، نه تنها چهره‌اش شبیه عکس توی قاب است، که با شرکت در جلسات هفتگی هیئت باب‌الحوایج و حلقه آسمانی مسجد محله و شوقش برای ثبت‌نام در حوزه، پیداست که میراث‌دار برادر هم شده است. «محمدطاه» از لایه‌لای انبوه خاطرات مشترکش با برادر، از روزی می‌گوید که بهترین سمبوسه عمرش را خورده: «برادرم همه جا مرا می‌برد و خیلی هوایم را داشت، برایم خوراکی می‌خرد و مراقبم بود. آن شب آخر که با هم به استخر و مصلا رفتیم، خیلی بهمون خوش گذشت، برای شام هم ساندویچ فلافل برابیم خرید و تا روزی که زنده باشیم مزه‌اش از یادم نمی‌رود.» این را که می‌گوید قدری مکث می‌کند و ادامه می‌دهد: «برادرم خیلی مهربان و همیشه مراقب همه بود تا کسی دلش نشکند. یک شب دیگر که در مصلابودیم برای افطار مقداری بامیه خرید. اما گفت بیا برویم جای دیگر بخوریم، بعد کلی راه رفتیم تا یک جای خلوت پیدا کردیم و بامیه‌ها را خوردیم. وقتی دلیلش را پرسیدم، گفت «باید هر خوراکی خوشمزه‌ای را در شلوغی خورد، شاید بعضی پول نداشته باشند بخردند و دلشان بشکند.» این درسی بود که در کنار همه حرف‌ها و نصیحت‌هایش برای همیشه در ذهنم می‌ماند.»

پدر فقه باشکوه
«زینب صالحی» از دوستان قدیمی خانم ترسا که او را در این گفت‌وگو همراهی می‌کند بر ایمان از روز تشییع باشکوه پیکر «محمد صالح» می‌گوید: «باورستان نمی‌شود مراسم تشییع به این عظمت آن هم برای یک نوجوان ۱۶ ساله را تا به حال ندیده بودم. با توجه به اینکه پدرش کارمند ارتش است، ارتشی‌های زیادی در این مراسم شرکت کرده بودند، تشییع بسیار باشکوهی با حضور همه دوستان و معلمان محمد صالح از مدرسه ابتدایی دبیرستان و هم دوره‌های سراسر حوزه گرفته تا همه اهالی شهرک که انگار داغدار فرزند خودشان بودند، برگزار شد و همه سنگ تمام گذاشتند.» حرف‌هایش که به اینجا می‌رسد، نگاهی به قاب عکس محمد صالح می‌کند و می‌گوید: «این خانواده بسیار مذهبی و با اخلاق هستند، خوش به سعادتشان که چنین فرزندان توحیصل جامعه داده‌اند، البته تعجبی هم ندارد چون مادرشان در دوران بارداری «محمد صالح» در حوزه درس می‌خواند و دائم کتاب قرآن و دعا دستش بود، نتیجه‌اش هم تربیت فرزندی این چنین معتقد و مؤمن می‌شود.»



زینب صالحی
دوست خانوادگی

در کشور ما هر ۳ ساعت یک بیمار نیازمند پیوند عضو جان خود را از دست می‌دهد.
هر ۱۰ دقیقه یک نفر به لیست انتظار پیوند اعضا اضافه می‌شود.
فردی که مرگ مغزی شده است می‌تواند جان ۸ انسان را نجات دهد.
کلیه، قلب، کبد، شش، روده، لوزالمعده و چشم مهم‌ترین اندام‌های پیوندی به شمار می‌روند.
بیشتر موارد مرگ مغزی در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال اتفاق می‌افتد.

انجمن اهدای عضو ایرانیان

در بیشتر کشورهای جهان سازمان‌های مردم‌نهاد به کمک دولت آمده و با استفاده از نیروهای متخصص، امکان پیشرفت هرچه سریع‌تر اهدای عضو و پیوند اعضا را در آن کشورها فراهم می‌کنند. در کشور ما هم «انجمن اهدای عضو ایرانیان» با هدف ارتقای فرهنگ اهدای عضو، حمایت از خانواده‌های اهداکننده و... در سال ۱۳۹۴ تشکیل شد تا با در میان گذاشتن توان و تجربه خود برای نجات هرچه بیشتر بیماران نیازمند پیوند در کشور تلاش کنند. دفتر این انجمن در خیابان ولی‌عصر(عج)، بعد از پل همت، روبه‌روی خیابان دهم، ساختمان ۷۹۰ قرار دارد و شماره تماس آن ۰۲۱۵۷۷۵۰ است.

در کشور ما هر ۳ ساعت یک بیمار نیازمند پیوند عضو جان خود را از دست می‌دهد.
هر ۱۰ دقیقه یک نفر به لیست انتظار پیوند اعضا اضافه می‌شود.
فردی که مرگ مغزی شده است می‌تواند جان ۸ انسان را نجات دهد.
کلیه، قلب، کبد، شش، روده، لوزالمعده و چشم مهم‌ترین اندام‌های پیوندی به شمار می‌روند.
بیشتر موارد مرگ مغزی در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال اتفاق می‌افتد.



آستان امامزاده عبدالله^(ع) نگین درخشان روستای «همه‌سین»

خانه دوست اینجاست

مزگان مهربانی

خانه باصفای دوست اینجاست. امامزاده‌ای دنج در لابه‌لای تپه‌های سرسبز روستای زیبای «همه‌سین». صاحبش مردی است از تبار رسول (خدا)ص و مورد ارادت اهالی شرق تهران. طبق شجرنامه‌ای که بر دیوار شبستان امامزاده خودنمایی می‌کند، نسبش به حضرت زین‌العابدین(ع) می‌رسد. بقیعه این امامزاده تا چند سال پیش با دیوار خشتی محصور شده و ضریح آن هم مقبره‌ای سنگی بود. اما حالا به لطف اهالی روستای «همه‌سین» شبستان و پارک‌های دارد و یک ضریح فلزی حصار مقبره شده است. امامزاده عبدالله(ع) سرگذشت جالبی دارد که شنیدنش خالی از لطف نیست.



آخر پارک جنگلی سرخه‌حصار، به یک خیابان فرعی می‌رسد که هم یکی از ورودی‌های پارک است و هم راهی است برای رفتن به روستای «همه‌سین». ابتدای خیابان تابلویی به چشم می‌خورد که مسیر رفتن به امامزاده عبدالله(ع) را نشان می‌دهد. از آنجا تا دیدن گنبد طلایی امامزاده، بیش از ۷ کیلومتر باید راه رفت. مسیری پر و پیچ و خم با زیبایی‌های چشم‌نواز. تپه‌های بلند و کوتاه آن دیار انگار که لباس مخمل سبزی پوشیده باشند، زیبا و خواستنی‌اند. زیباتر از آن دشت پر از سبزه‌زارهای آنجاست که با وزش باد بهاری به این سو و آن سو می‌روند و رقص‌شان هر رهگذری را به وجد می‌آورد. نرسیده به روستای همه‌سین، سمت راست خیابانی نرسیده است که در انتهایش آستان امامزاده قرار دارد. خیابانی خاکی که هنوز آسفالت نشده است. سر در آستان تابلوی بزرگی با این نوشته دیده می‌شود: «امامزاده عبدالله‌بن زین‌العابدین(ع)». در فلزی سفیدرنگ امامزاده به دلیل شیوع بیماری کرونا بسته است و فعلاً اجازه زیارت به زائران داده نمی‌شود. با هماهنگی «سیدمرتضی موسوی» متولی امامزاده داخل صحن و سرای قدسی می‌شویم. امامزاده حیاط بزرگی دارد که در یک سو آن باغچه بزرگی با درختچه‌های شمشاد و نهال‌هایی که برای به بار نداشتن زمان زیادی نیاز دارند وجود دارد. در سوی دیگرش هم کوهی از مصالح ساختمانی است که نشان می‌دهد در اینجا عملیات عمرانی انجام می‌شود. صحن کمی بلندتر از حیاط است و برای ورود به آن باید ۶-۷ پله را بالا رفت. شبستان بزرگ اما خالی از زائر است و همین هر بیننده‌ای را دل‌تنگ می‌کند. دیوارهای شبستان، ساده و عاری از آینه‌کاری است اما قرار است به‌زودی تبدیل به صحن و سرای زیبا و مجللی شود.

کشف هویت امامزاده عبدالله(ع)

درباره کشف هویت امامزاده روایت‌های زیادی از اهالی نقل می‌شود. اما حجت‌الاسلام «علی‌اکبر خراسانی» امام جماعت مسجد حضرت‌صاحب‌الزمان(عج) و از قدیمی‌های روستای همه‌سین معتبرترین آنها را عنوان می‌کند: «نقل‌قول‌های زیادی برای پیدا شدن هویت امامزاده نقل می‌کنند. بعضی می‌گویند در ابتدای امر اینجا فقط یک مقبره بوده و از قرار معلوم خانواده‌ای هم آنجا زندگی می‌کردند. تا اینکه مادر خانواده در خواب سید جلیل‌القدری را می‌بیند. سید به زن می‌گوید که من از اولاد رسول (خدا)ص هستم و در اینجا دفن شده‌ام. زن اعتنا نمی‌کند. تا اینکه چندبار این خواب را می‌بیند و با خود می‌گوید چوب نیم سوخته‌ای را از خاک می‌کنم و اگر سبز شد خوابم راست است.» از قرار معلوم این اتفاق می‌افتد و چوب نیم سوخته

سبز می‌شود. به گفته حجت‌الاسلام خراسانی روایت دیگری هم هست که بعضی می‌گویند مرتب نوری را دور قبر می‌دیدند وبعد از پیگیری متوجه شدند اینجا مزار یک امامزاده است.

۸ واسطه تا امام زین‌العابدین(ع)

بومیان روستای همه‌سین، ابتدای امر اعتقاد داشتند نسب این امامزاده به حضرت موسی‌کاظم(ع) می‌رسد اما برای مشخص شدن این امر، عده‌ای برای تحقیقات بیشتر راهی قم می‌شوند. سید «مرتضی موسوی» متولی امامزاده در این‌باره می‌گوید: «بعد از خواب‌ها و رویاهایی که بعضی از اهالی دیده بودند، کم‌کم مردم روستا به این باور می‌رسند که اینجا امامزاده‌ای مدفون است. از این‌رو اتاقکی را دور قبر می‌سازند و برای زیارت به آنجا می‌آیند.» بقیعه امامزاده تا دهه ۸۰ به‌صورت خشتی بود تا اینکه رئیس وقت اداره اوقاف برای بازدید از امامزاده گذرش به روستای همه‌سین می‌افتد. او دستور احراز هویت امامزاده را می‌دهد و پیرو خواسته او جمعی از اهالی راهی قم شده و برای مشخص کردن نسب این امامزاده به مؤسسه آیت‌الله مرعشی نجفی مراجعه می‌کنند. بعد از چند ماه تحقیق مشخص می‌شود، امامزاده عبدالله(ع) با ۸ واسطه به امام‌زین‌العابدین(ع) می‌رسد.

امامزاده در قرق شاهان قاجار

اینکه چرا از چند صد سال پیش تاکنون این امامزاده کم زائر بوده خود سؤالی است که خراسانی اقامحمدخان قاجار بوده است. از این‌رو اسب‌سوارهای اقامحمدخان برای زندگی همین‌جا سکونت داشتند و به این طریق روستا شکل می‌گیرد. اما از آنجایی که شکارگاه شاه قاجار بوده، کمتر کسی اجازه رفت‌وآمد به روستای همه‌سین را داشته و قطعاً جز خود شاهزاده‌های قجری کسی برای زیارت نمی‌آمده است. این موضوع حتی در کتاب خواجه تاجدار هم آمده است. ناصرالدین‌شاه هم به این امامزاده می‌آمد و دعا می‌کرد. «حتی شاه پهلوی هم در مدت زمانی اینجا را قرق خود کرده و اجازه رفت‌وآمد به اینجا را نمی‌داد و همین باعث شد امامزاده گمنام بماند.



سیدمرتضی موسوی متولی امامزاده

قطب فرهنگی و مذهبی شرق تهران

بعد از مشخص شدن شجره‌نامه امامزاده، دیوار خشتی جای خود را به صحن و سرای زیبا می‌دهد. به گفته خراسانی مسئولیت ساختن و آبادانی بنای امامزاده را گروه جهادی سپاه محمد رسول‌الله برعهده دارد. او می‌گوید: «در این چند سال اخیر خیران محلی و زوار تهرانی اقدامات زیادی برای آبادانی امامزاده انجام داده‌اند. ضریح فلزی هم که در آن وجود دارد با کمک مردم ساخته شده است. با تغییر و تحول‌های انجام شده، صحن و شبستان فعلی امامزاده به ۸۰۰ مترمربع می‌رسد.» امامزاده گنبدی طلایی دارد و قرار است ۲ مناره زیبا هم برای آن ساخته شود. خراسانی می‌گوید در نظر دارد تا این مکان منوری را به قطب فرهنگی و مذهبی تبدیل کند. او برای تحقق هدفش همه تلاشش را به کار گرفته است. این روحانی ادامه می‌دهد: «اینجا هم می‌تواند قطب مذهبی شرق تهران شود مثل امامزاده (دو)» که هم‌زمان زیارتی و سیاسی‌تربیتی است. شهروندان تهرانی می‌توانند برای زیارت به اینجا بیایند و از فضای بکر و مذهبی روستا و امامزاده استفاده کنند. او اضافه می‌کند پشت روستای همه‌سین قلعه‌ای است که به زمان ساسانیان بر می‌گردد و می‌تواند جاذبه گردشگری ایجاد کند.

حضور فریبا قدرتی در مجموعه فیلم‌های کلید زندگی شبکه قرآن



روایت «فریبا قدرتی» مجری و تهیه‌کننده تلویزیون از تدریس در مدارس محله

نظام آبادی‌ها مهربان و همدل هستند

پرینا نوری

نخستین سال‌های جوانی به خدمت ارتش

در آمده و بعد از چندین سال در قامت خانم معلم پای تخته‌سیاه مدرسه‌ای در تهرانپارس ایستاده است. سپس به دلیل علاقه‌اش به اجرا، به جام‌جم رفته و تا امروز در کموت گزارشگر، مجری، کارشناس و تهیه‌کننده در شبکه‌های خبر، قرآن و همچنین شبکه‌های یک، دو و... ظاهر شده است. خودش معتقد است از هر عرصه‌ای بیایی تجربه اندوخته و با سال‌ها مطالعه گره زده تا فرمول خوشبختی را پیدا و بنیانگذار تکنیک «مهندسی خوشبختی» در ایران شود. ساعتی با «فریبا قدرتی» مجری، کارشناس و تهیه‌کننده تلویزیون و بنیانگذار و مدرس «مهندسی خوشبختی» که در دهه پنجاه زندگی‌اش سرشار از انرژی، طراوت و جوانی است در یکی از بوستان‌های محله نارمک همکلام شدیم.

اطلاعات فوری

- نام:** فریبا قدرتی
- تحصیلات:** کارشناس ارشد مطالعات زنان و خانواده
- شغل:** گوینده، کارشناس و تهیه‌کننده تلویزیون
- اطلاعات شخصی:** مادر ۳ فرزند پسر ۲۷، ۲۷ و ۱۷ ساله
- محل تولد و سکونت:** نارمک
- فعالیت بدنی:** پیاده‌روی حرفه‌ای، شنا
- ویژگی‌ها:** شاداب، پرانرژی، نشاط
- فعالیت:** نویسنده کتاب «خوشبختی»، برگزارکننده کارگاه‌هایی با موضوع خودشناسی و خوشبختی



خوشبختی یک انتخاب است

اغلب مردم فکر می‌کنند اگر اوضاع درست شود، خوشحال می‌شوند درحالی که در کارگاه‌های «مهندسی خوشبختی» متوجه می‌شویم که اگر خوشحال باشیم و از زندگی، داشته‌ها و خودمان احساس رضایت کنیم، اوضاع درست می‌شود. خوشبختی یک اندیشه و انتخاب است و برای این انتخاب باید خودمان را بشناسیم. استعدادها، ظرفیت‌ها و رنج‌های خودمان را بیابیم و با یادگیری تکنیک‌های لازم بهترین نسخه خودمان را بسازیم. از رنج‌هایمان به گنج برسیم. این یک تفکر و سبک زندگی نو است که جایش در آموزش‌های ما همیشه خالی بوده و در نتیجه آدم‌ها اغلب در زندگی احساس ناکامی و شکست کرده و خودشان را مدام سرزنش می‌کنند. مهندسی خوشبختی به انسان کمک می‌کند که این افکار منفی را از ذهن بیرون بریزد، یاد می‌دهد که از دل سختی‌های زندگی، زیبایی بیافرینند و با هر آنچه که دارند احساس خوبی داشته باشند. البته این موضوع درباره افرادی است که از متوسط زندگی برخوردار باشند و درباره کسانی که زیر خط فقر هستند صدق نمی‌کند، چون قطعاً در حالی که گرسنه‌ای یا فرزندت گرسنه است، نمی‌توانی احساس رضایت یا خوشبختی داشته باشی. این افراد باید دنبال مهارت کارآفرینی برای خودشان بروند که موضوعش متفاوت است.

به فکر خلق و ارائه تکنیک «مهندسی خوشبختی» باشید؟

زمانی که در حوزه کارم مطالعه و تحقیق می‌کردم متوجه ۲ نکته شدم؛ یکی اینکه گروهی از مردم اغلب احساس بدبختی می‌کنند و دوم اینکه ایجاد حس خوشبختی در همه جای دنیا آموزش داده می‌شود. از این‌رو تصمیم گرفتم این تکنیک را در فرهنگسراها تدریس کنم که خوشبختانه با استقبال زیادی مواجه شد و حتی از یکی از دانشگاه‌ها برای تدریس پیشنهاد داشتم که به بعد از بحران کرونا موکول شد.

در زندگی شخصی‌تان چقدر از تکنیک «مهندسی خوشبختی» بهره گرفته‌اید؟

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.

با کمک این تکنیک، با وجود همه سختی‌ها و مشکلاتی که در زندگی شخصی و کاری‌ام داشتم سعی کردم همه لحظات زندگی‌ام را به معنای واقعی زندگی کنم، و این را به بچه‌هایم هم یاد دادم.



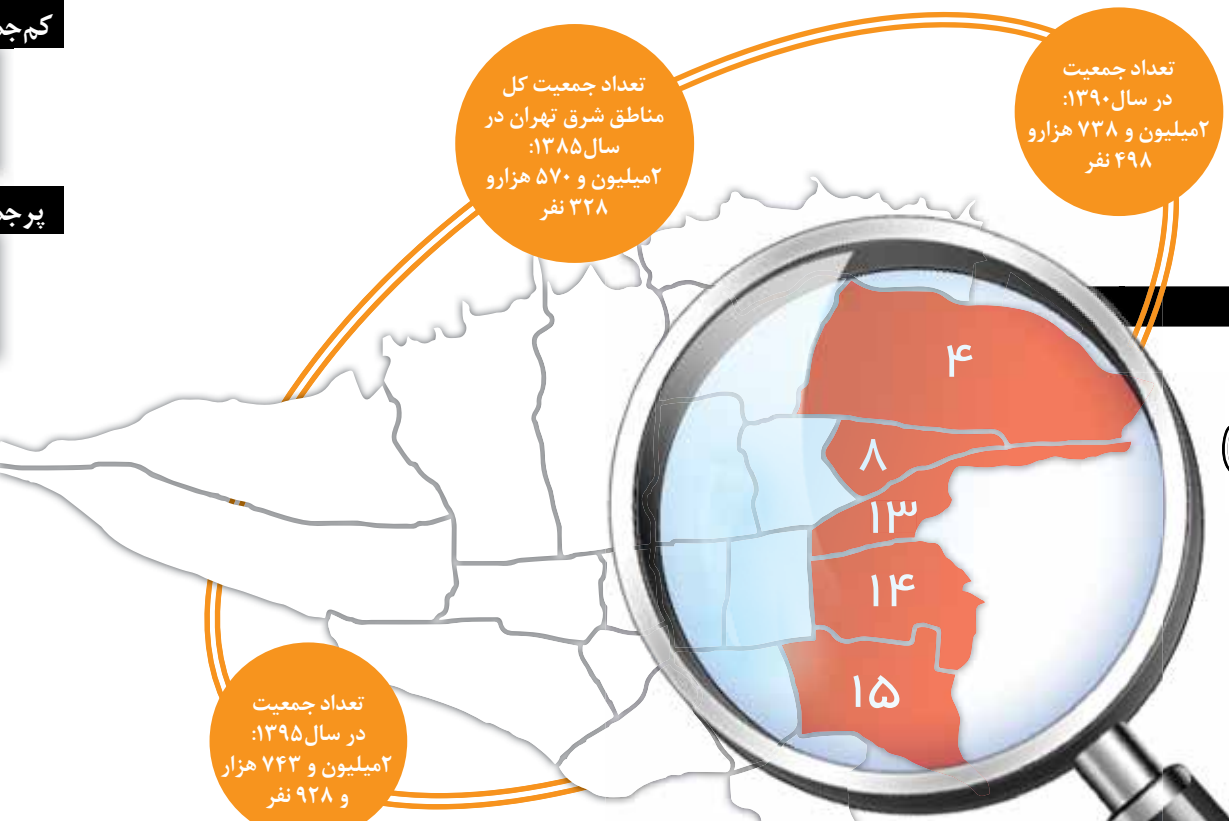


بررسی ویژگی مناطق ۴، ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ به بهانه روز ملی جمعیت

رشد نسبی جمعیت در مناطق شرق پایتخت

۲ میلیون و ۷۴۳ هزار و ۹۲۸ نفر در مناطق پنج‌گانه شرق تهران سکونت دارند

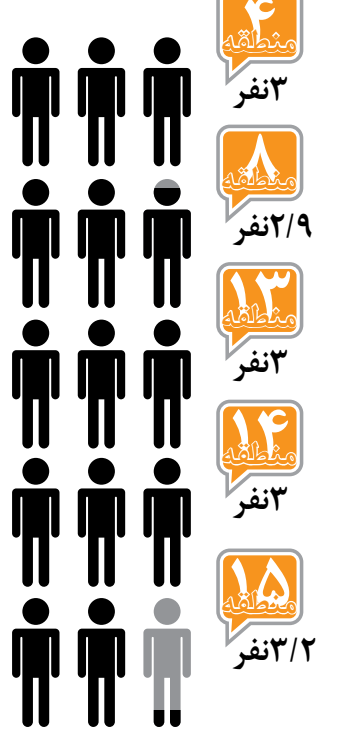
پروانه بهرام‌نژاد



تعداد جمعیت در سال ۱۳۹۰: ۲ میلیون و ۷۳۸ هزار و ۴۹۸ نفر

تعداد جمعیت کل مناطق شرق تهران در سال ۱۳۸۵: ۲ میلیون و ۵۷۰ هزار و ۳۲۸ نفر

تعداد جمعیت در سال ۱۳۹۵: ۲ میلیون و ۷۴۳ هزار و ۹۲۸ نفر

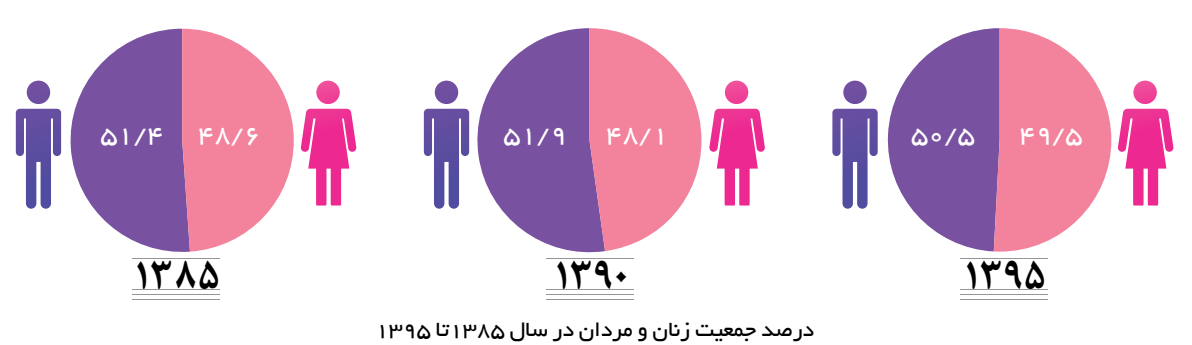


میانگین بعد خانوار در مناطق در سال ۱۳۹۵

کم جمعیت‌ترین محله‌های شرق تهران:
کالاد (منطقه ۴)، لشکر (منطقه ۸)، سرخه‌حصار (منطقه ۱۳)، قصر فیروزه (منطقه ۱۴)، مسگر آباد (منطقه ۱۵)

پر جمعیت‌ترین محله‌های شرق تهران:
تهرانپارس غربی (منطقه ۴)، حافظیه (منطقه ۱۳)، پرستار (منطقه ۱۴)، مسعودیه (منطقه ۱۵)

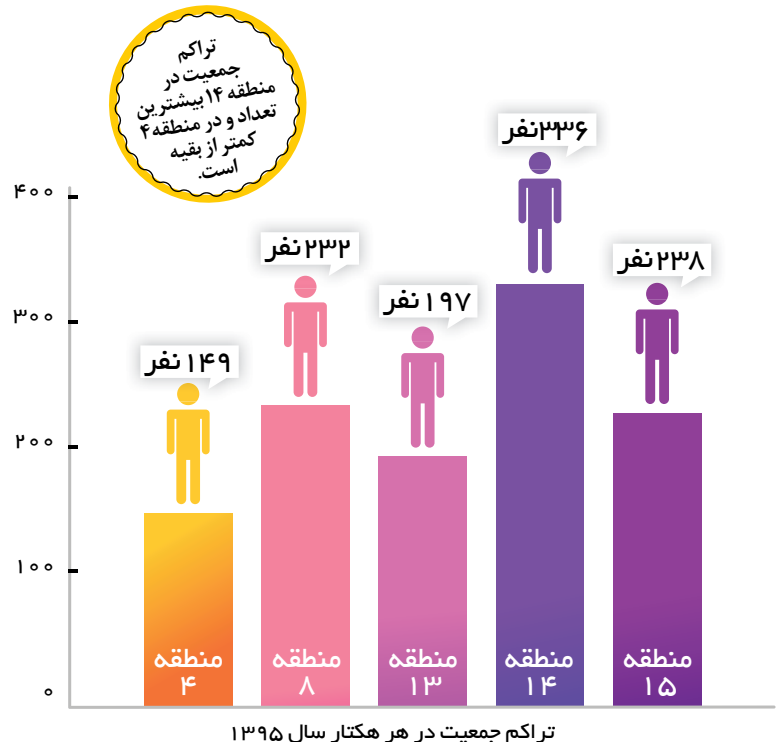
وضعیت جمعیت دانش‌آموزی:
بیشترین: مناطق ۴ و ۱۵
کمترین: مناطق ۸ و ۱۳



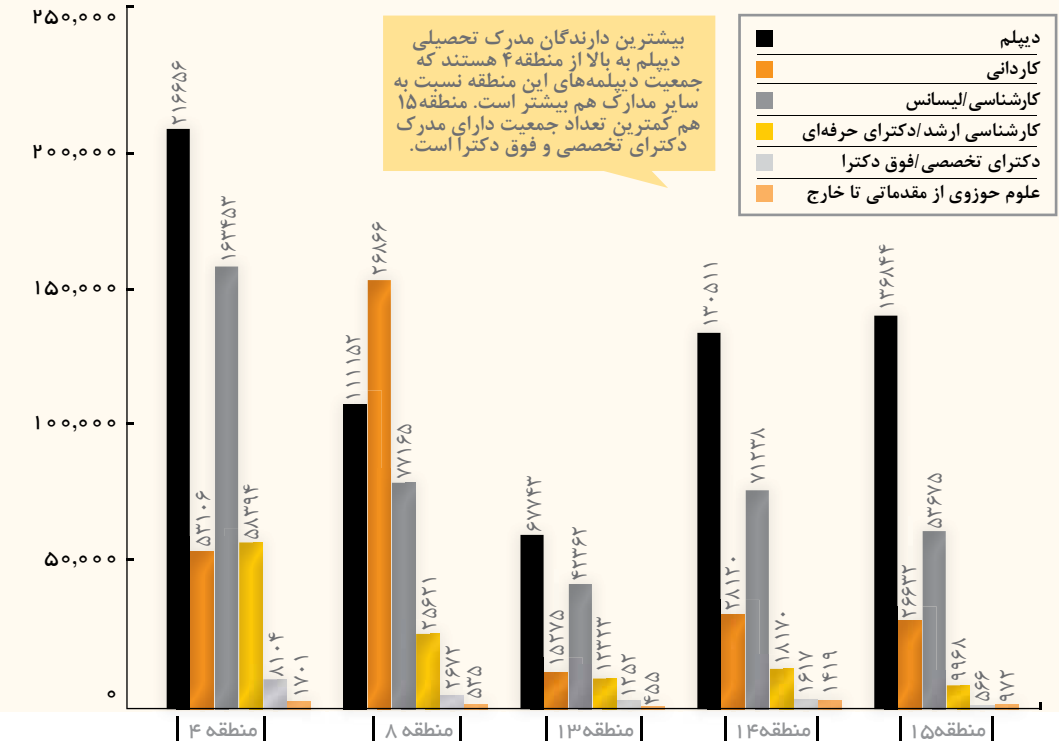
درصد جمعیت زنان و مردان در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

جمعیت به تفکیک رده سنی در سال ۱۳۹۵

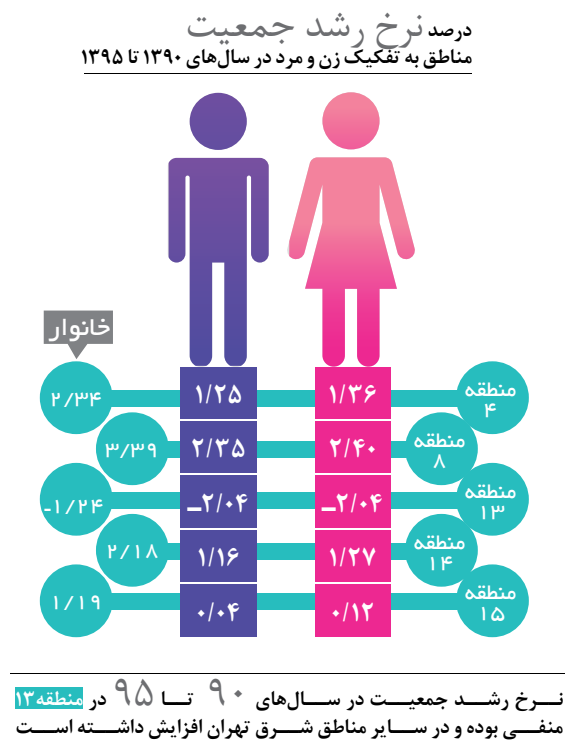
منطقه	۱۴ تا ۱۵ سال	۱۵ تا ۱۹ سال	۲۰ تا ۲۴ سال	۲۵ تا ۲۹ سال	۳۰ تا ۳۴ سال	۳۵ تا ۳۹ سال	۴۰ تا ۴۴ سال	۴۵ تا ۴۹ سال	۵۰ تا ۵۴ سال	۵۵ تا ۵۹ سال	۶۰ تا ۶۴ سال	۶۵ سال به بالا
۴	۴۵۰۷۰۳	۴۳۹۱۰	۴۰۹۲۴	۱۲۱۸۶	۳۶۱۰۳	۳۳۳۲۷	۳۱۸۴۵	۲۳۲۵۶	۱۵۱۰۷	۵۱۰۱۷	۴۴۴۰۲	۱۸۱۷۷
۸	۱۲۱۸۶	۱۰۹۲۴	۱۰۱۱۰	۱۰۴۴۷	۱۱۹۲۲	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷
۱۳	۳۶۱۰۳	۳۳۳۲۷	۳۱۸۴۵	۲۳۲۵۶	۱۵۱۰۷	۵۱۰۱۷	۴۴۴۰۲	۱۸۱۷۷	۱۲۱۸۶	۱۰۹۲۴	۱۰۱۱۰	۱۰۴۴۷
۱۴	۵۱۰۱۷	۴۴۴۰۲	۱۸۱۷۷	۱۲۱۸۶	۱۰۹۲۴	۱۰۱۱۰	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷
۱۵	۱۸۱۷۷	۱۲۱۸۶	۱۰۹۲۴	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷	۱۰۴۴۷



تراکم جمعیت در هر هکتار سال ۱۳۹۵



بیشترین دارندگان مدرک تحصیلی دیپلم به بالا از منطقه ۴ هستند که جمعیت دیپلمه‌های این منطقه نسبت به سایر مدارک هم بیشتر است. منطقه ۱۵ هم کمترین تعداد جمعیت دارای مدرک دکترای تخصصی و فوق دکترای است.



نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۹۰ تا ۹۵ در منطقه ۱۳ منفی بوده و در سایر مناطق شرق تهران افزایش داشته است

شاید برای شما هم سؤال برانگیز یا جالب باشد که بدانید منطقه‌ای که در آن ساکن هستید، چه ویژگی‌های جمعیتی دارد؟ توزیع و پراکندگی جمعیت در آن به چه شکل است و چند نفر در اطراف‌تان زندگی می‌کنند و چه تعداد آنها را زنان و چه تعداد را مردان تشکیل می‌دهد و حتی کدام محله‌ها بیشترین و کمترین جمعیت را در دل خود جای داده است؟ یا خیلی سؤال‌های دیگر. از این‌رو به بهانه «روز ملی جمعیت» که در تقویم رسمی کشورمان امروز ۳۰ اردیبهشت به این نام سند خورده، نگاهی داشته‌ایم به وضعیت مناطق شرق پایتخت: ۴، ۸، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ در این زمینه و ویژگی‌های آنها را به کمک داده‌های «سالنامه آماری شهر تهران» که چند سالی است توسط سازمان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهیه و منتشر می‌شود، به روایت اعداد و ارقام بررسی کرده‌ایم. گزارش زیر از بازه زمانی سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ است.



سرشماری نفوس و مسکن از سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ انجام گرفته است.

سال فاصله اجرای سرشماری در کشور ما است که قبل از سال ۱۳۹۰ این موضوع هر ۱۰ سال یکبار انجام می‌شد.

درصد جمعیت منطقه ۴ براساس آمار سال ۱۳۹۵ بالای ۶۵ سال هستند.

درصد جمعیت ارامنه تهران در منطقه ۸ سکونت دارند.

درصد جمعیت منطقه ۸ براساس آمار سال ۱۳۹۵ بالای ۶۵ سال هستند.

نفر به جمعیت مناطق شرق تهران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ افزوده شده است.

درصد جمعیت منطقه ۱۳ براساس آمار سال ۱۳۹۵ بالای ۶۵ سال هستند.

درصد جمعیت منطقه ۱۴ براساس آمار سال ۱۳۹۵ بالای ۶۵ سال هستند.

جمعیت منطقه ۱۵ براساس آمار سال ۱۳۹۵ بالای ۶۵ سال هستند.

به مناسب سوم خرداد
سالروز شهادت «شاهرخ ضرغام»
زندگی او را مرور کردیم

دل‌آور دشت ذوالفقاریه

مژگان مهرابی

شهادت «شاهرخ ضرغام» را اغلب

اهالی منطقه ۱۴ خوب می‌شناسند

و داستان دل‌آوریها و جسارتش را

در میدان‌های نبرد شنیده‌اند. غیور

سردی که شجاعتش در جبهه‌های

جنوب زبازد عام و خاص و شجاعت

و هیبتش ترس را به دل عراقی‌ها

انداخته بود. ضرغام از جمله کسانی

بود که دعای خیر مادرش او را عاقبت

به خیر کرد. کسی که کارش نگرهبانی

در یک مرکز غیراسلامی بود. با این

حال، شاهرخ به تلنگر عارفی از

خواب غفلت بیدار شد و یک‌شبه ره

صد ساله را پیمود. عاقبت هم در راه

دفاع از دین و میهن شهید شد. قصه

زندگی‌اش شنیدنی است و هر انسان

خفته‌ای را هوشیار می‌کند. به بهانه

سوم خرداد، سراغ «علیرضا ضرغام»

برادر شهید و سردار «قاسم صادقی»

رفته و با آنها گفت‌وگو کردیم. ▶



در بجهوه انقلاب

شاهرخ به دسته

تظاهرکننده‌ها

پیوست و همراه با

دوستانش به میان

مردم رفت تا در

پیروزی انقلاب

اسلامی شرکت

کنند. هر جا به

کمک او نیاز بود

حاضر می‌شد

تنهایی و اخراج از مدرسه

بارها وقتی از خیابان نبرد جنوبی گذر می‌کردم تصویر شهید شاهرخ ضرغام را دیده بودم، مردی با هیبت و درشت جنبه با اسلحه‌ای بر دوش و کلاه سبزی به سر که لبخند کم‌رنگی روی لب‌هایش نقش بسته است.

شاهرخ در سال ۱۳۲۸ متولد می‌شود. پدرش کارگر ساختمانی بود و خیلی زود او را در سن نوجوانی تنها گذاشت. با رفتن پدر، شاهرخ روز به روز گوشه‌گیرتر شد و دیگر جنبه‌جویش گذشته را نداشت. او دانش‌آموز نمونه‌ای بود اما به دلیل رفتار نادرست معلم درس و مدرسه را کنار گذاشت و کارش به خلاف کشید. برادرش علیرضا می‌گوید: «شاهرخ ۱۲ ساله بود که معلمش امتحان می‌گیرد.

او متوجه می‌شود به دانش‌آموزان نورچشمی و آقازاده ارفاق کرده است. اعتراض می‌کند و معلم در جواب کشیده‌ای در گوش او می‌زند. بعد هم او را به بهانه توهمین به معلم اخراج کردند.» این رفتار معلم تأثیر منفی در رفتار او گذاشت به گونه‌ای که شاهرخ زنگ و کوشا وقتش را به بطالت بسر چهارراه‌ها می‌گذراند. نبود پدرش از یک آشنا شده و هیکل تنومندش باعث شد خیلی زود اراذل محله دوروبرش را بگیرند. پانوقش سرچهارراه‌ها شده بود. هرچه مادرش می‌گفت که این کارها عاقبت ندارد او توجهی نمی‌کرد.»

نایب قهرمان کشتی ایران

در دوره‌ای هیچ‌کس از دست شاهرخ راضی نبود، مادر از دست او به ستوه آمده بود و دیگر نمی‌دانست با او چه رفتاری را باید در پیش بگیرد. یکی از اقوام پیشنه‌اد داد برای اینکه شاهرخ سربه راه شود، او را به کلاس کشتی بفرستند. برادرش می‌گوید: «شاهرخ خیلی زود توانست خود را در این حرفه نشان دهد و موفقیت‌های زیادی را از آن خود کند. تا اینکه در سال ۵۵ موفق

به کسب مدال طلای جوانان نایب قهرمانی استان تهران شد. حتی برای مسابقات مونیخ هم انتخاب شد اما کمیته فنی کشتی در حقیق کم‌لطفی کرد و ورزشکار دیگری را به جای او عازم آلمان کردند.» با این کار، شاهرخ کشتی را بوسید و کنار گذاشت. او که برای خودش اسم و رسمی پیدا کرده بود، از سوی یکی از مراکز تفریحی شهر برای نگهبانی انتخاب شد. برادرش می‌گوید: فردی به نام ناصر در خیابان شکوفه یک مرکز تفریحی داشت که فعالیت‌های آن مغایر با شئونات جامعه اسلامی بود. برای اینکه افراد مست دعوا راه نیندازند، شاهرخ را به‌عنوان نگهبان انتخاب کرد. البته شاهرخ برخلاف چهره خشن و هیکل تنومندش، خیلی مهربان بود.»

تلنگر حاج آقا مجتبی تهرانی

گاهی اوقات یک تلنگر زندگی آدم‌ها را از این‌رو به آن رو می‌کند. مثل تلنگر حاج آقا مجتبی تهرانی که شاهرخ را از خواب بیدار و



سربه راه کرد. برادر شاهرخ تعریف می‌کند: «در زمان حکومت پهلوی برگزاری هیئت مذهبی در ماه محرم با محدودیت مواجه بود. یکی از اهالی به حاج آقا مجتبی تهرانی گفته بود شاهرخ می‌تواند این کار را بکند و اجاره برگزاری مراسم را بگیرد. شاهرخ را خیر کردند که نزد حاج آقا مجتبی تهرانی برود. رفتن همانا و شیفته این مرد خدا شدن همانا. حاج آقا از او خواسته بود از کلاتری مجوز بگیرد و شاهرخ گرفته بود. همین پای او را به جلسات حاج آقا مجتبی باز کرد.» شاهرخ بعد از این جلسات متحول شد و به پایوسی امام (رضاع) رفت. در آنجا توبه کرد که فرد دیگری شود. برای همین وقتی از مشهد برگشت دیگر به محل کار قبلی خود نرفت.

شرکت در تظاهرات دوران انقلاب

در بجهوه انقلاب شاهرخ به دسته تظاهرات‌کننده پیوست و همراه با دوستانش به میان مردم رفت تا در انقلاب اسلامی شرکت کنند. هر جا به کمک او نیاز بود حاضر می‌شد و از همه توان خود برای نابودی حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی استفاده می‌کرد تا هر چه زودتر حاج آقا مجتبی تهرانی برود. رفتن همانا و شیفته این مرد خدا شدن همانا. حاج آقا از او خواسته بود از کلاتری مجوز بگیرد و شاهرخ گرفته بود. همین پای او را به جلسات حاج آقا مجتبی باز کرد.» شاهرخ بعد از این جلسات متحول شد و به پایوسی امام (رضاع) رفت. در آنجا توبه کرد که فرد دیگری شود. برای همین وقتی از مشهد برگشت دیگر به محل کار قبلی خود نرفت.

مدت ۳ ماه در جبهه حضور داشت.»

شهادت در دشت ذوالفقاریه

آذر ماه سال ۵۹ بود، عراقی‌ها دشت ذوالفقاریه را محاصره کرده بودند. رئیس‌جمهور وقت نیروی کمکی نمی‌فرستاد و تپخانه لشکر ۷۰ هم کار نمی‌کرد. شاهرخ برای اینکه جلو دشمن را بگیرد در سنگر ماند و از همانجا به سوی دشمنان آری‌بی‌جی شلیک می‌کرد. حدود ساعت ۱۰ صبح بود که روی خاکریز ایستاد تا آری‌بی‌جی شلیک کند، که ناگهان تیر به سینه‌اش اصابت کرد و شاهرخ روی زمین افتاد. حاج قاسم صادقی از هم‌زمان شهید می‌گوید: «پیکر شهید ضرغام در دشت ذوالفقاریه باقی ماند. بعد از شکست حصر آبادان گروه تفحص برای یافتن پیکرش خیلی تلاش کرد اما متأسفانه نتوانست او را بیابد.» حاج قاسم برای گرم‌شدن دلاوری‌های شاهرخ ضرغامی سنگری نمادین در ذوالفقاریه ساخته است.

طولانی شدن روند ساخت
مجموعه ورزشی مظاهری باعث نارضایتی ساکنان محله شده است

اهالی چشم‌انتظار افتتاح

سارا جعفرزاده

یکی از این بخش‌های کم‌برخوردار منطقه ۱۵، محله مظاهری در ناحیه یک است که از سال گذشته پروژه مجموعه ورزشی مظاهری در آن کلید خورده، اما روند کند عملیات عمرانی این مجموعه باعث شده پیشرفت قابل توجهی در آماده‌سازی آن دیده نشود. عده‌ای از اهالی این محله معتقدند زمان ساخت این پروژه از حد معمول طولانی‌تر شده و از این بابت گله‌مند هستند. مسئولان پروژه عوامل مختلفی از جمله بارش‌های زمستانی، شیوع ویروس کرونا و کمبود نقدینگی را عامل طولانی شدن روند ساخت این مجموعه می‌دانند. در گزارش زیر عواملی را که باعث تأخیر تکمیل پروژه مجموعه ورزشی مظاهری شده پیگیری کردیم. ▶



مجموعه ورزشی مظاهری در یک نگاه

متعدد با امکانات مختلف را ندارد. او با اشاره به کمبود زمین در این محله می‌گوید: «بسه دلیل بافت سرانه‌های خدماتی روبه‌رو است و در این میان، تراکم جمعیت در این ناحیه و نبود مکان‌های ورزشی استاندارد باعث شده شهروندان درخواست ساخت مجموعه‌های تفریحی و ورزشی را داشته باشند. «صصمت جمال لو» یکی از اهالی قدیمی این محله درباره کمبود مراکز ورزشی و تفریحی در این بخش از منطقه می‌گوید: «حدود ۲۵ سال است در این محله زندگی می‌کنم و صاحب ۲ فرزند پسر هستم. هر سال با فرارسیدن فصل تابستان، تأمین بهینه اوقات فراغت فرزندانم برام به یک مشکل جدی و دغدغه تبدیل می‌شود چون محله از امکانات تفریحی و ورزشی مطلوبی برخوردار نیست. هر سال مجبور هستم برای استفاده از امکانات مناسب ورزشی به محله نبرد برویم تا فرزندانم را در کلاس‌های ورزشی ثبت‌نام کنند.»

زمین خالی در محله ندارد

در سال‌های گذشته تعداد زیادی مجموعه ورزشی در برخی از محدوده‌های منطقه ۱۵ ساخته شده اما گروهی از شهروندان معتقدند برخی از محله‌ها به‌ویژه محله‌های کم‌برخوردار امکان و ظرفیت ساخت مجموعه ورزشی را ندارند. «حسن مریزایی» یکی از قدیمی‌های محله که در صنف مشاور املاک فعالیت دارد، درباره محدودیت‌های محله برای ساخت پروژه‌ها می‌گوید: «مشکل اصلی در زمینه نبود اسفند بیش از ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت و اگر کرونا اپیدمی نمی‌شد، این مجموعه زودتر به

رکود پروژه‌ها با شیوع کرونا

مانند بسیاری از مشاغل که از اسفند ماه سال گذشته تاکنون تحت تأثیر بیماری کرونا قرار گرفته‌اند، برخی پروژه‌های ساختمانی هم در زمان شیوع این ویروس به حالت تعطیل درآمد. «سمیه قضائی» یکی از فعالان حوزه ورزش در محله مظاهری درباره رکود پروژه‌های خرد و کلان در زمان شیوع بیماری کرونا می‌گوید: «مجموعه ورزشی مظاهری در روزهای ابتدایی اسفند بیش از ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت و اگر کرونا اپیدمی نمی‌شد، این مجموعه زودتر به

نیم‌نگاه

هفت‌حوض جای پارک ندارد

کمبود جای پارک در معابر و کوچه‌ها، یکی از مشکلات ساکنان محله هفت‌حوض است که سال‌هاست با آن دست‌به‌گریبان هستند. محله هفت‌حوض یکی از بخش‌های پرجمعیت منطقه ۸ است و وجود مراکز خرید و مراکز تفریحی متعدد در خیابان آیت باعث شده افرادی که برای خرید و گشت‌وگذار در روزهای پایانی هفته به این خیابان مراجعه می‌کنند برای پارک خودروهای خود با مشکل مواجه شوند. در پایتخت

بیشتر مراکز خرید پارکینگ طبقاتی دارند اما در خیابان آیت به ندرت مرکز خریدی مشاهده می‌شود که پارکینگ طبقاتی داشته باشد. از طرفی خود اهالی با مشکل پارکینگ مواجه هستند و حضور شهروندان از نقاط مختلف پایتخت در روزهای پایانی هفته که اغلب بسا خودروهای شخصی خود می‌آیند به این مشکل دامن می‌زند. «رضا چگینی» دبیر شوراییاری محله هفت‌حوض درباره معضل پارکینگ در این محله می‌گوید: «در حال حاضر یکی از مشکلاتی که باعث نارضایتی اهالی شده کمبود پارکینگ در محله هفت‌حوض است. این روزها برخی خانواده‌ها بیش از ۲ خودرو دارد و همین موضوع باعث می‌شود که خودروهای خود را در معابر اصلی یا در کوچه پارک کنند.» چگینی ادامه می‌دهد: «درست است که در منطقه ۸ با کمبود زمین و فضای خالی مواجه هستیم که اگر غیر از این نبود قطعاً مسئولان فکری در این منطقه مکان‌های متروکه و رها شده‌ای هم وجود دارد که می‌توان به‌عنوان ظرفیت مناسبی برای ایجاد پارکینگ طبقاتی در نظر گرفت. یکی از این مکان‌ها در روبه‌روی مجتمع تجاری سون ستر در نبش میدان هفت‌حوض قرار گرفته است که مالکیت آن مربوط به بانک ملی است.» چگینی می‌افزاید: «در حال حاضر این مکان یک گلخانه متروکه است و مساحت آن حدود بیش از ۲ هزارمترمربع است. البته مدیریت شهسری منطقه ۸ در خصوص تملک این ملک تلاش‌هایی بسیاری کرده است اما چون مالک این زمین شخص نیست موضوع کمی پیچیده می‌شود. در صورتی که ارکان‌های مختلف به‌ویژه بانک ملی با شهرداری منطقه ۸ در خصوص واگذاری این ملک موافقت کنند، امکان ایجاد پارکینگ طبقاتی در میدان هفت‌حوض میسر می‌شود.»





کاهش دو سوم درآمد به دلیل کرونا

نزدیک ظهر به پایانه تاکسیرانی در ضلع شمال غربی میدان رسالت می‌رسیم، صنف طولانی تاکسی‌های زرد در خطوط ۲۲گانه پایانه رسالت از دور پیداست. راننده‌ها در دسته‌های چندتایی دور و اطراف ایستگاه جمع شده و مشغول صحبتند و به دنبال هر مسافری که وارد پایانه می‌شود به امید اینکه مسافر خط آنهاست چشم می‌دوانند و خیلی‌هایشان ناامیدانه رو برمی‌گردانند. پایانه خلوت است و تک‌توک مسافر پیدا می‌شود به طوری که هر نیم ساعت یک تاکسی پر از مسافر بیروزمندان از پایانه خارج می‌شود. البته نبود مسافر برای رانندگان تازگی ندارد و از نخستین روزهای شروع کرونا وضع به همین منوال است. «اسماعیلی» از رانندگان خط رسالت- شهرک غرب که با ماسک و دستکش پشت فرمان در انتظار مسافر نشسته، معتقد است بی‌روقت‌ترین

روزهای کاری‌اش را در ۱۵ سال گذشته، می‌گذراند: «از ساعت ۷ صبح تا ۱۱ فقط ۲ سرویس رفتم و با این وضع تا شب نهایتاً ۶۰ هزار تومان کار می‌کنم، در حالی که قبلاً دخل روزانه‌ام ۱۸۰ هزار تومان بود. یعنی درآمد یک سوم شده است.» او در ادامه کرونا نبود طرح ترافیک را عامل این مشکلات می‌داند: «از وقتی طرح ترافیک حذف شده مردم از ترس کرونا با ماشین شخصی‌شان بیرون می‌روند و کسی سوار تاکسی نمی‌شود. در واقع هرکسی ماشین دارد این روزها با ماشین خودش می‌رود، این موضوع هم باعث ترافیک خیابان‌ها شده و هم مسافران ما را کم کرده یعنی همین ۴ تا مسافر را هم که جابه‌جایی کنیم باید ۴ ساعت در ترافیک بمانیم.»

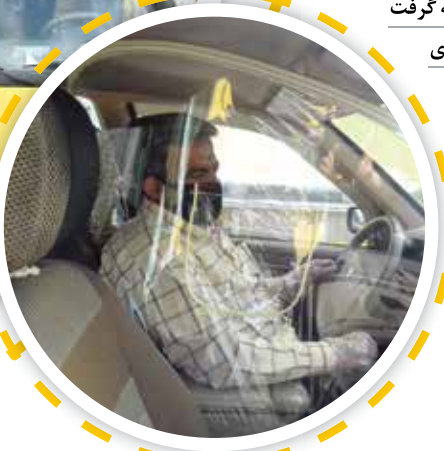
ویروس کووید ۱۹ دومین پایانه تاکسیرانی پایتخت را سوت و کور کرده است

چوب کرونا لای

چرخ تاکسیرانان

پریسا نوری کاگ

شیوع کرونا دخل و خرج زندگی بسیاری از مردم به‌ویژه آنها که درآمدشان در گرو فعالیت روزانه‌شان بود، را بر هم زد. در ماه‌های اسفند و فروردین، قرنطینه، دور کاری کارمندان و خلوت شدن شهر، معیشت رانندگان تاکسی که گذران زندگی‌شان با حضور مردم در خیابان‌های شهر مرتبط است را نشانه گرفت و پس از آن حذف طرح ترافیک و اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی در تاکسی‌ها بدون جبران ضرر و زیان آنها، وضعیت معیشت این قشر آسیب‌پذیر را به مراتب سخت‌تر کرد. برای تهیه گزارشی از مشکلات تاکسیرانان، به بزرگ‌ترین پایانه تاکسیرانی شمال شرق تهران در ضلع شمالی میدان رسالت رفته‌یم و ساعتی پای درد دل جمعی از رانندگان خطوط تاکسی پایانه رسالت نشستیم.



کرایه مسافر چهارم از جیب مسافر یا راننده؟

«خانوما! تجریش می‌ری بیا، داریم راه می‌افتیم!» این را راننده تاکسی خط تجریش که جلو در نیمه باز تاکسی منتظر یک مسافر ایستاده با صدای بلند می‌گوید. نزدیک می‌روم و داخل تاکسی را نگاه می‌کنم یک مسافر جلو و یک مسافر عقب سوار کرده است. خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم: «چه خوب که فاصله اجتماعی را رعایت می‌کنید و با ۳ مسافر حرکت می‌کنید.» دستش را روی سقف ماشین گذاشته، آهی کشیده و می‌گوید: «جباره آگه بیشتر سوار کنیم ۵۰ هزار تومن جریمه می‌شیم.» سپس نگاه کوتاهی به مسافران داخل ماشین انداخته و بلافاصله در تصحیح حرفش می‌گوید: «البته برای حفظ سلامتی مسافرها و خودمان هم بد نیست کرایه نفر چهارم را هم تقسیم



..ها

دستگاه تاکسی در خطوط داخلی و فرامنطقه‌ای پایانه تاکسیرانی رسالت فعال هستند

خط تاکسیرانی در پایانه رسالت خدمات می‌دهند

۲۲



لا

درآمد رانندگان تاکسی در بحران کرونا کاهش پیدا کرده است

از افزایش کرایه‌ها خوشحال نیستیم

هر سال افزایش کرایه ناوگان حمل‌ونقل عمومی از اول اردیبهشت ماه اعمال می‌شود، ولی امسال به دستور ستاد ملی مقابله با کرونا، افزایش نرخ کرایه‌ها با یک ماه تأخیر یعنی از اول خرداد اجرایی می‌شود. از این‌رو طبق مصوبه شورای شهر تهران، از ۲ روز دیگر برچسب کرایه‌های جدید با افزایش ۲۵درصدی بر پیشانی تاکسی‌ها می‌نشیند تا بخشی از مشکلات معیشتی این قشر آسیب‌پذیر را برطرف کند. اما برخلاف انتظار افزایش کرایه‌ها چندان برای رانندگان تاکسی خوشایند نیست. «جبی» راننده خط ونک رسالت در این باره می‌گوید: «همه فکر می‌کنند ما از زیاد شدن کرایه‌ها خوشحال می‌شویم در حالی که این‌طور نیست چون افزایش کرایه‌ها، باعث کم شدن مسافر می‌شود.» رجبی به

گرانی لوازم یدکی و دغدغه نوسازی تاکسی

«برای ۹۰ میلیون و حباب بازار خودرو» موضوع گفت‌وگوی داغ رانندگان خط پاسداران است. فرهادی یکی از رانندگان میانسال خط پاسداران که به گفته خودش فارغ‌التحصیل مهندسی عمران دانشگاه شریف است و سال‌ها قبل چندین پروژه عمرانی از جمله نخستین بل عابریپاده در جاده قیامدشت، مخازن آب صالح‌آباد، ورزشگاه بهار در منطقه ۱۹ و... را طراحی کرده و می‌گوید: «در از بد روزگار به دلایلی مدرک و سابقه کارش را بی‌خیال شده و ۲۰ سالی است که خرچش را از تاکسی درمی‌آورد، درباره تأثیر گرانی خودرو بر کسادی تاکسیرانان می‌گوید: «وقتی قیمت خودرو نجومی می‌شود،



رعایت پروتکل بهداشتی

علاوه بر کمبود مسافر و ترافیک خیابان‌ها، یکی از نگرانی‌هایی که رانندگان تاکسی به دلیل تردد زیاد در شهر و سروکار داشتن با پول خرد بیش از دیگران با آن مواجهند، خطر آلوده شدن به ویروس کروناست. از این‌رو برای مقابله با این ویروس، باید پروتکل‌های بهداشتی از جمله نصب کاور پلاستیکی، استفاده از دستکش و ماسک و مواد ضدعفونی را رعایت کنند. اما خارج از این پروتکل هزینه‌بر است و از عهده راننده‌ها تأمین و توزیع امکانات بهداشتی مثل ماسک و دستکش و محلول ضدعفونی تاکسیرانان را حمایت کنند. «فاضلی» راننده تاکسی خط میدان قدس که محاسن سپیدش را با ماسک سیاهی پوشانده است، در این باره می‌گوید: «یک

پایانه رسالت در انتظار سقف

ساعتی از ظهر گذشته و آفتاب تا وسط آسمان بالا آمده و راننده‌ها برای فرار از گرمای هوا، در سایه دیوار سرویس بهداشتی و نمازخانه در شرق پایانه ایستاده‌اند. با وجودی که اینجا بعد از پایانه آزادی، بزرگ‌ترین پایانه تاکسیرانی پایتخت است، اما هنوز سقف و سایبان ندارد. «بیگدلی» یکی از رانندگان خط آزادی با گلایه از مسقف نبودن پایانه رسالت می‌گوید: «به نظر من یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این پایانه نداشتن سقف و سایبان است، چراکه مسافران و رانندگان این پایانه مجبورند در زمستان زیر برف و باران و تابستان زیر برق آفتاب بایستند.» او در حالی که دستش را نسیاه‌بان صورتش کرده، در ادامه می‌گوید: «هنوز بهار است و هوا خیلی گرم نشده اما در فصل تابستان مسافرها از اینکه صندلی‌های تاکسی زیر برق آفتاب داغ می‌شود گلایه می‌کنند.»

افزود: «تا ۴ یا ۵ ماه آینده طبق نظر کارشناسان رسالت پرده برداشت. او گفت: «در حال انجام مطالعات اولیه هستیم که در راستای توسعه پیش در شهرداری منطقه حرف و حدیث‌هایی برای ساماندهی و مسقف کردن این پایانه مطرح شده اما هنوز هیچ‌کدام به مرحله اجرا نرسیده است. جزایی این موضوع را از «مهدی اناری» معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۴ جویا شدیم که در پاسخ

از امکان اجرای طرح پلازای شهری در میدان رسالت پرده برداشت. او گفت: «در حال انجام مطالعات اولیه هستیم که در راستای توسعه پیش در شهرداری منطقه حرف و حدیث‌هایی برای ساماندهی و مسقف کردن این پایانه مطرح شده اما هنوز هیچ‌کدام به مرحله اجرا نرسیده است. جزایی این موضوع را از «مهدی اناری» معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۴ جویا شدیم که در پاسخ

«دلیری» یکی دیگر از رانندگان خط کوکب با تأیید صحبت‌های همکارش به پایانه تاکسیرانی ضلع جنوبی میدان رسالت که در منطقه ۸ شهرداری واقع شده، اشاره کرده و می‌گوید: «آن پایانه از اینجا کوچک‌تر و تاکسی‌هایش هم کمتر است اما سال‌هاست که مسقف نشده، اما اینجا با وجود قول‌های تاکسیرانی و شهرداری هنوز سقف و سربانه ندارد.» او در توضیح بیشتر می‌گوید: «حدود ۲ سال پیش عده‌ای مهندس از طرف شهرداری آمدند و از اینجا بازدید کردند و گفتند می‌خواهند سقف و مجتمع ایستگاهی بزنند و تاکسی‌ها سروسامان بگیرند اما هیچ خبری نشد. بعد از یک مدت هم دوباره چند نفر دیگر آمدند و گفتند برای پایانه سقف درست می‌کنند، اما هر وقت این موضوع را از اداره تاکسیرانی پیگیری کردیم گفتند فعلاً خبری نیست.»



مصرف گروهی مواد مخدر در پل بسیج
منظره ناخوشایندی به ورودی جنوب‌شرق پایتخت داده است

هشدار! به پاتوق معتادان نزدیک می‌شوید

سارا جعفرزاده

محدوده پل بسیج در منطقه ۱۵ به نوعی دروازه ورودی تهران در جنوب‌شرق محسوب می‌شود و مسافرانی که از استان‌ها و شهرهای شمال شرقی کشور وارد پایتخت می‌شوند در ابتدا به این نقطه می‌رسند.

با توجه به اینکه روزانه تعداد زیادی مسافر از این مسیر ترانزیتی وارد منطقه می‌شوند، یکی از نخستین تصاویری که با آن مواجه می‌شوند حضور معتادان در پل بسیج و فضای سبزه اطراف آن است. شرایط در زیر پل بسیج به گونه‌ای است که گویی معتادان در آنجا شهر کوچکی برای خود ساخته‌اند که آن‌گونه آزادانه در هم می‌لولند و به زندگی متفاوت خود ادامه می‌دهند. در زیر پل و چمن‌های اطراف آن دسته دسته کلونی تشکیل داده‌اند و به استعمال مواد مشغول هستند. مرد و زن هم فرق ندارد اتفاقاً تعدادی از جمعیت‌شان را زن‌های معتاد تشکیل می‌دهند. در یک روز جمعه سری به این پل و اطراف آن زیم تا از نزدیک شاهد زندگی معتادان در این محدوده و تصویر ناخوشایند این حضور در ورودی جنوب‌شرق پایتخت باشیم.



پایانه خاوران وعده‌گاه معتادان

مدرسرای خاوران که ویژه نگهداری معتادان در جنوب‌شرق تهران است در محله رضویه و نزدیک به مرکز منطقه ۱۵ واقع شده و معتادان پس از خروج از گرخانه به راحتی وارد مرکز منطقه یعنی پایانه مسافربری خاوران می‌شوند. «طیبه محبی» یکی از اهالی محله هاشم‌آباد که هر روز برای رفتن به محل کار از اتوبوس‌های تندرو پایانه خاوران استفاده می‌کند، در این‌باره می‌گوید: «روزی نیست که در این پایانه مسافربری معتادان را نبینم انگار این مکان به‌عنوان وعده‌گاه همیشگی آنها شناخته شده است.

هر روزدهای از معتادان البته مرد و زن فرق نمی‌کند به این پایانه مسافربری می‌آیند و موادمخدر، سرنگ، لباس و خنزر پنزر بین خودشان رد و بدل می‌کنند.» محبی می‌افزاید: «شاید در نگاه اول همه این افراد معتاد به نظر برسند اما برخی از آنها سارق هم هستند و چندین بار دیده‌ام که کیف‌هایی می‌کنند. واقعا نظارتی در این نقطه از منطقه ۱۵ نیست و مسئولان باید فکری به حال مسافران این پایانه مسافربری بکنند چون تجمع و تردد این افراد امنیت و آرامش خاطر مسافران و عابران را به مخاطره می‌اندازد.»

منظره بد در ورودی شهر

فضای دنج و تاریک زیر پل بسیج یعنی درست همانجایی که تصورش را هم نمی‌کنید کسی بتواند آنجا تردد کند چه برسد که آنجا زندگی کند، این روزها مهمان‌های ناخوانده‌ای را در خود جای داده است. مهمان‌هایی که حرف و تحقیرهای زمین و زمان را برای لحظهای نشگی به جان می‌خرند. صحبت از معتادان است، معتادانی که درباره‌شان بارها شنیده‌ایم مجرم نیستند و بیمار هستند. حالا مشکل اینجاست که این افراد تصویر نازیبایی از ورودی منطقه را ترسیم می‌کنند. «سول ملاقلی» یکی رانندگان اتوبوس‌های مسافربری فضایی دنج و تاریک زیر پل بسیج یعنی درست همانجایی که تصورش را هم نمی‌کنید کسی بتواند آنجا تردد کند چه برسد که آنجا زندگی کند، این روزها مهمان‌های ناخوانده‌ای را در خود جای داده است. مهمان‌هایی که حرف و تحقیرهای زمین و زمان را برای لحظهای نشگی به جان می‌خرند. صحبت از معتادان است، معتادانی که درباره‌شان بارها شنیده‌ایم مجرم نیستند و بیمار هستند. حالا مشکل اینجاست که این افراد تصویر نازیبایی از ورودی منطقه را ترسیم می‌کنند. «سول ملاقلی» یکی رانندگان اتوبوس‌های مسافربری

هواخوری در زیر پل بسیج

این روزها محال است از پل بسیج عبور کنید و گروه‌های مختلف معتادان را که به‌صورت دسته دسته در این مکان تجمع می‌کنند نبینید. زمان و مکان برای این افراد فرقی ندارد و از چندی پیش قسمت زیرین پل بسیج را به محل زندگی دائمی خود تبدیل کرده‌اند. «نصرت.. احمدوند» یکی از کارگران خدمات شهری که رسیدگی به فضای سبز پل بسیج را برعهده دارد، در این‌باره می‌گوید: «به خاطر اینکه قسمت زیر پل فضای تاریک و دنجی است معتادان دوست دارند ساعت‌ها در این مکان باشند و موادمخدر مصرف کنند. گاهی اوقات هم به خاطر مواد به جان هم می‌افتند و اغلب هم در خواب و بیداری به سر می‌برند.» او ادامه می‌دهد: «معتادان در قسمت زیر پل بسیج در فضایی که ستون‌های پل قرار گرفته، وسایل‌شان را نگهداری می‌کنند. آنها هرکدام معمولاً یک پتو مندرس، گونی پر از لباس‌های کهنه و گاز پیک نیکی به همراه دارند و بدترین قسمت ماجرا این است که عده‌ای از هگ‌گذاران حس همدردی‌شان گل می‌کند و به این افراد پول هم می‌دهند. در این شرایط، دنیا به کام این معتادان می‌شود، به خاطر اینکه هزینه موادشان هم تأمین شده است.»

پارک جنگلی توسکا در قرق معتادان

مدت‌هاست که اهالی محله کمانشهر از حضور افراد معتاد در زندگی محل سکونت‌شان مشکل را به شهرداری منطقه ۱۵ انعکاس داده و خواستار رسیدگی به این مشکل شده‌اند. پارک جنگلی توسکا چندان شباهتی به پارک ندارد و در واقع می‌توان گفت از امکانات بوستان‌های دیگر محروم است. همین موضوع بهانه‌ای برای حضور افراد معتاد در این بوستان است.

«صدیقه آشوری» یکی از اهالی محله کمانشهر، در این‌باره می‌گوید: «بارها من و همسایه‌ها به شهرداری ناحیه ۳ مراجعه کرده‌ایم که فکری به حال وضعیت این بوستان کنند اما بی‌نتیجه بوده است. مشکل فعلی ما، نبود روشنایی در این بوستان است که باعث می‌شود مکان دنج و تاریکی برای اقصاد معتاد فراهم شود. متأسفانه عده‌ای از اهالی محله به این افراد در فصل سرما پتو، لباس و غذای گرم می‌دهند و همین موضع باعث بد عادت‌ی این افراد شده است.» آشوری می‌افزاید: «بهتر است مسئولان به جای اینکه تمرکز خود را روی جمع‌آوری معتادان بگذارند، این بوستان را تجهیز کنند. این بوستان نیاز به روشنایی، میلمان شهری، شمیر آبخوری و وسایل بازی کودکان دارد. این روزها نگرانی اهالی محله این است که با شروع فصل تابستان تردد شهروندان و بچه‌ها در این بوستان بیشتر می‌شود و امکان دارد اوضاع بدتر شود. تقاضا داریم تجهیز این بوستان در اولویت شهرداری قرار بگیرد.»

معتادان، معضل فرامنطقه‌ای هستند



اکبر مختاری، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه

مسئولان معاونت اجتماعی شهرداری منطقه ۱۵ هم دغدغه حضور معتادان را دارند و بارها پیگیر مشکلات مربوط به افراد آسیب دیده شده‌اند. «اکبر مختاری» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه در این‌باره به خبرنگار همشهری می‌گوید: «حضور افراد معتاد یک معضل و مشکل فرامنطقه‌ای است و نیاز به دخالت سازمان‌های مختلف از جمله سازمان خدمات اجتماعی شهردار تهران دارد. با توجه به اینکه شهرداری منطقه ۱۵ ملکی را در محدوده شریف‌آباد در اختیار این نهاد گذاشته انتظار داریم از تردد این افراد در منطقه کاسته شود. تا جایی که در حوزه اختیارات ما باشد سعی داریم معتادان را جمع‌آوری کنیم و به مددسرای خاوران انتقال دهیم اما دقیقاً فعالیت همین مددسرا برای منطقه ما شده که به نظرم باید به خارج از شهر انتقال پیدا کند.» مختاری می‌افزاید: «با توجه به اینکه شخصاً به‌صورت مستمر در نقاط مختلف منطقه تردد دارم، به محض مشاهده کلونی افراد معتاد با سازمان خدمات اجتماعی برای افزایش گشت‌زنی‌ها توسط نیروهای این سازمان مکاتبه می‌کنم اما ظاهراً هر روز به تعداد افراد معتاد اضافه می‌شود. با این حال، اگر سوله‌ای که در شریف‌آباد در اختیار سازمان خدمات اجتماعی شهرداری قرار گرفته توسط این سازمان تجهیز شود دیگر شاهد تردد و حضور این حجم از معتادان در محله‌ها از جمله پل بسیج نخواهیم بود.»



آشنایی با فرهنگسرای اشراق در فلکه دوم تهرانپارس

روزی روزگاری باغ داماد ناصرالدین شاه

مینا اصفرنژاد

مناطق شرق پایتخت جاهای تاریخی و فرهنگی کم ندارد و یکی از آنها، فرهنگسرای اشراق در خیابان جشنواره فلکه دوم تهرانپارس است. مکان فرهنگی و تفریحی در شرقی‌ترین نقطه منطقه ۴ که در سال‌های اخیر به دلیل برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری مختلفی مانند «صد دانه یاقوت» و «اقوام» مورد توجه ساکنان شرق تهران و حتی مناطق دیگر شده است. این مجموعه فرهنگی در دل یک باغ باصفا و وسیع قرار گرفته که مراجعه‌کنندگان به این مکان را سرشار از انرژی و سرحالی می‌کند. این مجموعه فرهنگی که اکنون به‌عنوان یکی از مکان‌های هویتی در شرق تهران محسوب می‌شود، تاریخچه خواندنی دارد که در ادامه با بخش‌هایی از آن آشنا می‌شویم.



تاریخچه فرهنگسرای اشراق

در دل فرهنگسرای اشراق، بناهای تاریخی متعددی وجود دارد که یکی از آنها، ساختمان اصلی این مجموعه است. قدمت ساختمان اصلی در این مجموعه به ۱۰۰ سال پیش بر می‌گردد و باغ بزرگی که در آن واقع شده است ۲۰۰ سال قدمت دارد. در برخی منابع گفته شده ساختمان قدیمی این مجموعه را یکی از دامادهای ناصرالدین شاه بنا کرده است. از دیگر بخش‌های

تاریخی و ارزشمند این مجموعه، بادگیرهای قدیمی آن است که معماری خاص خود را دارد. به بیان دیگر، نمونه‌هایی از زیباترین و بزرگ‌ترین بادگیرهای ایران در این مجموعه قرار دارد. اما اگر از بناهای تاریخی و بادگیرهای زیبای این مجموعه بگذریم، به باغ باصفا آن می‌رسیم که آن هم با معماری ویژه‌ای طراحی و ساخته شده است. ارزش‌های تاریخی این مجموعه فرهنگی بر کسی پوشیده نیست، چراکه از نظر قدمت تاریخی، باغ و محوطه و ساختمان قدیمی متعلق به زمان قاجار است.

تندیس‌ها و سردیس‌ها

۲۱ سردیس و ۴ تندیس از عرفا و اندیشمندان حکمت اسلامی-ایرانی از قبیل شیخ اشراق، ملاصدرا، فارابی و... توسط استاد سیاوش سلیمی، از پیشکسوتان مجسمه سازی، ساخته و در محوطه فرهنگسرای اشراق نصب شده است. وقتی از درب جنوبی وارد می‌شوید، شیخ اشراق حتماً به شما خوش آمد خواهد گفت!

دسترسی آسان به فرهنگسرای اشراق
برای رسیدن به فرهنگسرای اشراق که یکی از فرهنگسرای تهران و واقع در شرق پایتخت است، بهترین راه استفاده از مترو است، برای این کار کافی است سوار خط ۲ مترو شوید و در آخرین ایستگاه یعنی ایستگاه فرهنگسرای پیاده شوید، و با گذر از پل هوایی روی خیابان جشنواره به این مجموعه خواهید رسید. اگر بخواهید از خطوط بی‌آرتی استفاده کنید می‌توانید سوار بی‌آرتی‌های مسیر آزادی - تهرانپارس شده و خود را به فلکه دوم تهرانپارس برسانید و از آنجا با یک تاکسی به خیابان جشنواره رفته و خود را به فرهنگسرای اشراق برسانید. اگر هم خواستید که با خودرو شخصی به این فرهنگسرا بروید از بزرگراه‌های یاسینی و رسالت می‌توانید استفاده کنید.

کتابخانه شیخ اشراق

کتابخانه شیخ اشراق بیش از ۳۷۰۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف دارد و برای کودکان هم بخش مجزا دارد. در این محل دو سالن مطالعه مجزا برای خواهان و برادران دارد که در تمام روزهای هفته از ۷ صبح تا ۱۰ شب پذیرای شماست.



پوشش گیاهی متنوع

یکی از زیبایی‌های محوطه فرهنگسرای اشراق، پوشش گیاهی زیبا و تماشایی آن است که هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند. به‌ویژه در فصل بهار که گل‌های رنگارنگ در باغ فرهنگسرا جلوه‌گری می‌کنند. محوطه باغ فرهنگسرای اشراق ۱۵۰ گونه گیاهی دارد که از میان آنها می‌توان به توت، توسکا، درختچه‌های گل‌یخ، گل شرابی، کاج، اجنیر، بلوط و درخت انار اشاره کرد.

دست به دست شدن در دوره‌های تاریخی

درباره افرادی که در دوره‌های تاریخی گذشته هرکدام در مقطعی صاحب این مجموعه بوده‌اند هم نقل و قول‌های متعددی وجود دارد. یکی از این نقل‌وقول‌ها می‌گوید، مهدی ارباب یزدی که یکی از خان‌های این ناحیه و از وکلای مجلس بود این باغ را از داماد ناصرالدین شاه خریداری کرد. او معماری را بنا را به سبک دوره پهلوی تغییر داد و بناهایی مثل استخر مرکزی و مجسمه اسب و تمساح را به آن افزود. حوض‌های هفت‌گانه که به‌صورت پله‌ای به هم متصل هستند، از مشهورترین قسمت این باغ است. پس از مرگ مهدی ارباب در سال ۱۳۴۸ این مجموعه به همراه باغ و ساختمان‌های آن در اختیار دربار پهلوی دوم قرار گرفت. در آن زمان این باغ به دو قسمت چارک جوانیه و باشگاه شهرداری تقسیم و به‌عنوان باغ ملی اعلام شد. این باغ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به شهرداری شد و در سال ۱۳۷۴ تحت پوشش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در آمد و از آن زمان به‌عنوان فرهنگسرای اشراق نام گرفت.

قنات‌هایی که از سرخه حصار و تلو سرچشمه می‌گرفت

با وارد شدن به این مجموعه فرهنگی و تفریحی، قبل از استفاده از امکانات آن، در مسیرهای مختلف این مجموعه شاهد بخش‌های دیدنی هستیم. جویبارهای کوچکی که در گوشه و کنار باغ جاری است، نشان از روزگاری دارد که چشمه‌های آب روان در این قسمت از شرق تهران وجود داشته است. در نقل و قول‌های قویمی

شیخ اشراق کیست؟

در هنگام ورود به فرهنگسرای اشراق با تندیس یکی از مشاهیر بزرگ ایران آشنا می‌شوید که نام فرهنگسرا از نام این فیلسوف بزرگ ایرانی برگرفته شد است. شهاب‌الدین سهروردی مشهور به «شیخ اشراق» در سال ۵۴۹ قمری در روستای سهرورد، یکی از روستاهای شهرستان خدابنده استان زنجان به دنیا آمد و عمر کوتاه ۳۶ ساله‌اش، خیلی زود تمام شد. او در روزگاری زندگی می‌کرد که مردم از درک افکار او ناتوان بودند و به همین دلیل، عده‌ای از قبیلهان شهر حلب (سوریه) او را به کفر متهم کردند تا سرانجام، سال ۵۸۵ قمری زندانی شد و به دلیلی نامعلوم از دنیا رفت. برخی شاگردانش عقیده داشتند او را به قتل رسانده‌اند، سهروردی را «شیخ شهید» خواندند.



● صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
● مدیر مسئول: مهرا ن کرمی
● سردبیر: افشین امیرشاهی

● دبیر تحریریه: علی‌الله سلیمی
● تحریریه: پروانه بهرام‌نژاد
پریسا نوری / سارا جعفرزاده
مژگان مهرابی

● مدیر هنری: کامران مهرزاده
● صفحه آرایی: محمدرضا محمدی / تاش / سعید غفوری / علی حسینی
● میلاذ رفاقتی
● حروفچینی و تصحیح: منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● نشانی: خیابان ولی‌عصر (عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● صندوق پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● تلفن: ۰۲۳۰۲۳۱۰۰ ● دورنگار: ۰۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت



مژگان مهرابی

ایستگاه «سید» یادگار پیر مرد خوشرو

تقاطع خیابان‌های شهید آیت و فرجام در میان اهالی محله نارمک هنوز به ایستگاه «سید» معروف است. چرایی آن هم به گفته قدیمی‌های محله، به پیر مرد سید و خوشرویی برمی‌گردد که آنجا قهوه‌خانه داشته و همیشه کلاه سبزی به سر و با یک استکان چای، خستگی رانندگان خطی را از تنشانشان دور می‌کرد. ماجرا به سال‌های دور برمی‌گردد. ۶۰ شاید هم ۷۰ دهه پیش که شرکت واحد تازه رونقی پیدا کرده بود. سر خط اتوبوس‌های مسیر فرجام - میدان امام حسین (ع) فعلی در ابتدای خیابان فرجام قرار داشت. همین باعث شده بود سید برای راحتی رانندگان همانجا قهوه‌خانه دایر کند. البته نه مثل دیگر قهوه‌خانه‌های شهر که سقفی بالای سر داشته باشد و با میز و صندلی نونو ارش کرده باشند. قهوه‌خانه سید در واقع یک چادر برزنتی که گوشه پیاده‌رو و کنار نهر آب برپا شده بود. هر صبح سید میز و صندلی‌ها را از داخل چادر بیرون می‌آورد و همراه همسرش بساط پذیرایی از رانندگان را فراهم می‌کرد. شب‌ها هم بعد از راهی شدن اتوبوس‌ها به پارکینگ شرکت واحد سید میز و صندلی‌ها را داخل چادر می‌گذاشت و می‌گویند همانجا هم می‌خوابید.

خبر کوتاه

امکان سنجی ساخت

تصفیه‌خانه فاضلاب منطقه ۱۳

امکان‌سنجی ساخت تصفیه‌خانه شرق تهران در منطقه ۱۳ با حضور جمعی از مسئولان شهری انجام شد. در این بازدید روند اجرای طرح با تأکید بر شرایط نحوه انتقال فاضلاب و رعایت اصول ارزیابی اثرات محیط‌زیستی مورد بررسی قرار گرفت. «مرتضی رحمان‌زاده» شهردار منطقه ۱۳ ضمن تأکید بر ضرورت صرفه‌جویی در منابع آب و بهره‌مندی از ظرفیت آب‌های تصفیه شده فاضلاب برای آبیاری فضاهای سبز شهری آمادگی شهرداری منطقه برای پیشبرد اجرای این طرح را اعلام کرد. او گفت: «برای ساخت تصفیه‌خانه کانال سرخه‌حصار در نظر گرفته شده که قرار است اجرای این طرح در دستور کار قرار بگیرد.» در این بازدید که با حضور دکتر قربانی، مشاور معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، مسئولان شرکت آب و فاضلاب استان تهران و شرکت مشاور برگزار شد، شرایط و راهکارهای اجرایی طرح بررسی شد.

ضیافت سحری برای پاکبانیان منطقه ۱۳ گسترده شد. در این شب پاکبانیان با همکاری شهرداری منطقه و مجمع خیران و مرکز لقمه مهریانی، در سالن پذیرایی همدم مهمان شدند و ضمن اکرام، اقلام بهداشتی به آنها اهدا شد.



الو محله

۲۳۰۲۳۴۶۷

ساخت‌وساز غیرمجاز شبانه

منطقه ۴ در خیابان ۱۹۶ یک واحد ساختمانی شبانه و غیرمجاز، پارکینگ خانه‌اش را به مغازه تبدیل کرده است. لطفاً رسیدگی کنید.
علی حشمتی - ساکن تهرانپارس غربی

پاسخ مسئول: با هرگونه ساخت‌وساز غیراصولی و فاقد مجوز با جدیت برخورد می‌شود. شهروندان مراتب تخلف را به ۱۳۷ اطلاع دهند.
رامین صباغی - شهردار ناحیه ۵ شهرداری منطقه ۴

بر خورد با تخلفات ساختمانی

منطقه ۸ برخی از سازندگان طرح‌های ساختمانی در خیابان جانبازان غربی منطقه ۸ به‌صورت غیرمجاز، طبقه اضافه می‌سازند که این موضوع در آینده برای اهالی دردسرساز خواهد شد. چرا مسئولان بیشتر نظارت نمی‌کنند؟
یوسف مرادیان، ساکن خیابان جانبازان غربی

پاسخ مسئول: تخلفات ساختمانی در ناحیه ۳ به‌ویژه در خیابان جانبازان غربی به اطلاع همکاران در اداره شهرسازی و معماری رسیده و از ادامه تخلفات ساختمانی توسط مسئولان اداره شهرسازی ناحیه ۳ و شهریان جلوگیری شده‌است.
بهرام مظفری، شهردار ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۳

دردسر زمین‌های خاکی

منطقه ۱۴ در محدوده شهرداری ناحیه ۶ تعداد زیادی شهرک نظامی وجود دارد که اطراف این شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی فضای باز و زمین‌های بدون استفاده‌ای وجود دارد که سگ‌های ولگرد از آنجا به راحتی وارد شهرک‌ها شده و برای شهروندان به‌ویژه کودکان خطرناک باشند. خواهشمندم به این مشکل رسیدگی کنید.
عطیه کامروا، ساکن محله قصر فیروزه

پاسخ مسئول: از محله قصر فیروزه بازدید شده و اداره ساماندهی ناحیه ۶ سگ‌های ولگرد محدود را جمع‌آوری خواهد کرد.
مهدي اتحاد، شهردار ناحیه ۶ شهرداری منطقه ۱

ضد عفونی خاور شهر

منطقه ۱۵ با توجه به مراجعه روزانه تعداد زیادی از اهالی به مرکز بهداشت و درمان خاورشهر، نیاز است مسئولان ضد عفونی مستمر این مرکز را در دستور کار قرار دهند.

مونا صدیقی - ساکن محله خاور شهر

پاسخ مسئول: تا پایان عادی‌سازی وضعیت ویروس کرونا با هدف افزایش ضریب ایمنی در مقابله با ویروس، هفته‌ای یکبار مرکز بهداشت و درمان محله خاورشهر ضد عفونی می‌شود.

سید سعید دادگستر، شهردار ناحیه ۷ شهرداری منطقه ۱

کتاب هفته

عشق تنها حقیقت زندگی

کتاب پیشنهادی برای مطالعه در این هفته، «عشق تنها حقیقت زندگی» اثر بهاره رحمتی، از سوی انتشارات خردگان منتشر شده است. در این کتاب چکیده‌ای از مطالب متنوع روان‌شناسی ارائه شده تا مخاطبان با مباحث مهم روان‌شناسی آشنا شوند. انتشار این کتاب در راستای رویکرد تازه‌ای است که طی آن، در برخی از دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته، دانشجویان، استادان یا علاقه‌مندان کوشیده‌اند کتاب‌های مختلفی را که می‌خوانند در کتاب‌های کوچک‌تر و به‌صورت خلاصه عرضه کنند تا افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند. با توجه به حوصله افراد و فرصت کمی که امروزه، به دلیل دغدغه‌های فراوان، برای بشر وجود دارد و به نوعی اقتضای زمانه پر از هیاهوی امروزی است، فرصت مطالعه آثار به‌صورت کامل برای همه خوانندگانی که دوست دارند کتاب را به‌صورت کاغذی بخوانند وجود ندارد. انتشار سلسله کتاب‌های اخیر، پاسخی به این نیاز مخاطبان است. استفاده از این کتاب‌های کوچک، علاوه بر خوانندگان عام، به‌ویژه به دانشجویان و علاقه‌مندانی که در صدد نوشتن مقاله و انجام پژوهش هستند کمک می‌کند تا در صورت تمایل و نیاز، کتاب اصلی را تهیه کنند.

چهره هفته

کاسب محله نیکنام مروج قرآن کریم است

کلاس درس در مغازه دنج «عمو فاضل»

«فاضل درخشان» کاسب خوشنام محله نیکنام، از سال‌ها پیش وقت و مالش را وقف ترویج قرآن کرده‌است. او برای تشویق کودکان و نوجوانان به فعالیت‌های قرآنی در مغازه کوچک تعمیر میلمان، کلاس درس برگزار می‌کند. اما شیوه آموزش او با کلاس‌های قرآنی دیگر منطقه، فرق می‌کند. درخشان به هر دانش‌آموزی که سوره‌ای از قرآن حفظ یا تحقیق دینی انجام دهد، جایزه می‌دهد.



این کاسب، فعالیت خود را از سال ۱۳۹۴ شروع کرده و حالا در دفترش نام ۲ هزار و ۵۰۰ قرآن آموز را ثبت کرده‌است. او می‌گوید: «در این روزها که مدارس به دلیل شیوع بیماری کرونا تعطیل است، برای اینکه بچه‌ها وقت خود را به بطلت سپری نکنند، برایشان تحقیق علمی و قرآنی تعیین کرده‌ام.»

خبر خطی

منطقه ۴ «زهر مستعدی» پرستار ۴۳ ساله بیمارستان شهید لیاقتی‌نژاد پاسداران و فرزند شهید «علیرضا مستعدی»، بر اثر ایست قلبی ناشی از خستگی کار، در گذشت. این پرستار با سابقه در روزهای گذشته همپای دیگر پرستاران این بیمارستان در خط مقدم مبارزه با کرونا تلاش می‌کرد.

منطقه ۸ طعمه‌گذاری برای کنترل جانوران موذی در خیابان شهید بخت آزاد و سراسر محله وحیدیه با هدف کنترل این جانوران انجام شد و در محله‌های ۶ گانه مستمر ادامه دارد.

منطقه ۱۳ شهردار منطقه ۱۳ و معاونان و مدیران شهری در قالب پویش سه‌شنبه‌های بدون خودرو هر هفته با دوچرخه از محله‌ها و نواحی مختلف بازدید و نحوه خدمت‌رسانی به شهروندان را بررسی می‌کنند.

منطقه ۱۴ اداره آموزش‌های شهروندی برنامه‌های آموزشی در کانون کودکان-سراسر محله برگزار کرد. در این برنامه کودکان آداب وضو گرفتن، اقامه نماز و... را یاد گرفتند.

منطقه ۱۵ اماکن توزیع رایگان محلول ضد عفونی کننده در محله کیان شهر افزایش یافت. در حال حاضر در مساجد امام رضا (ع)، المهدی (عج)، حضرت رقیه (س) و مقبره شهدای گمنام به‌عنوان مراکز توزیع کننده فعال هستند.